



## سرمقاله

## از جنون سدسازی تا فاجعه بی‌آبی

فرشته نوری

کارشناسی علوم سیاسی ۹۶



آب معدنی به قدر کافی وجود دارد؛ اما آب نیست. کارشناسان معتقدند سیاست‌های اشتباه مسیب این امر است و گزینه به لحاظ طبیعی به مرحله کمبود بحران‌زا نرسیده‌ایم. علی‌رغم تمام وعده و وعیدها بحران بی‌آبی در خوزستان نه تنها بهبود نیافته بلکه بدتر نیز شده است. حالا مردم خوزستان، آن‌ها که در تمام این سال‌ها مشکلات را تحمل کردند و صبوری به خرج دادند، طاقت‌شان طاق شده است. از سوسنگرد تا اهواز، از شادگان تا کوت عبدالله، از ایذه تا بهبهان و رامهرمز همه به ستوه آمده‌اند. دام‌هایشان را از دست داده‌اند، نخل‌هایشان به دلایل متعدد از جمله سدسازی در بالادست سرشاخه‌های کرخه و در پی آن پایین آمدن آب این رودخانه و برگشت آب شور خلیج فارس به نخلات و هم‌چنین سرزیرشدن پساب کارخانه‌های نیشکر، روبه نابودی رفته‌اند. مردم تظاهرات کرده‌اند؛ کاملاً مسالمت‌آمیز، درخواست‌شان را می‌گویند و منتظر پاسخ‌اند.

این اعتراض سرانجام سال‌ها بازگویی مطالباتی‌ست که گفته شد، اما شنیده نشد. سدسازی‌های فراوانی که از سوی کارگزاران موجب افتخار خوانده می‌شد و نمادی بود از توسعه‌یافتگی. در عین حال بسیاری از متخصصین این روند را نادرست می‌خواندند ولی توجهی به آنان نمی‌شد. بدون هیچ توجه اقتصادی و محیط‌زیستی سدها یکی پس از دیگری به بهره‌برداری می‌رسیدند. در میان این سدها، سد گتوند در سال‌های اخیر به نماد سوءمدیریت و سدسازی‌های بی‌رویه‌ای تبدیل شده که پیامدهای زیست‌محیطی، اجتماعی و سیاسی زیادی دارد. سه دولت تغییر کرد تا این پروژه کلید زده شود و نهایتاً به بهره‌برداری برسد؛ خروجی اما منجر به فاجعه شد. سه دولت‌مرد آمدند و رفتند و به نظرات کارشناسان توجهی نکردند. اوضاع بابه‌سامان مدیریت منابع آب تنها به این‌جا ختم نمی‌شود. خوزستانی که بزرگ‌ترین رود کشور یعنی اروندرود را دارد، کرخه و کارون و دجله و فرات را دارد، نباید بی‌آب باشد، اما شده و صبرمردم را به سر آورده است.

انتقاد و اعتراض در نظام اسلامی، با این‌که از حقوق و آزادی‌های مردم به شمار می‌آید، در اندیشه سیاسی اسلام رنگ و بوی تکلیفی هم دارد و بنابراین، مردم، موظف به طرح انتقاد و اعتراض‌اند؛ البته نحوه پاسخ به آنان نیز از سوی حکومت اسلامی دارای چارچوب و مقررات است. مسالمت در برابر مسالمت.

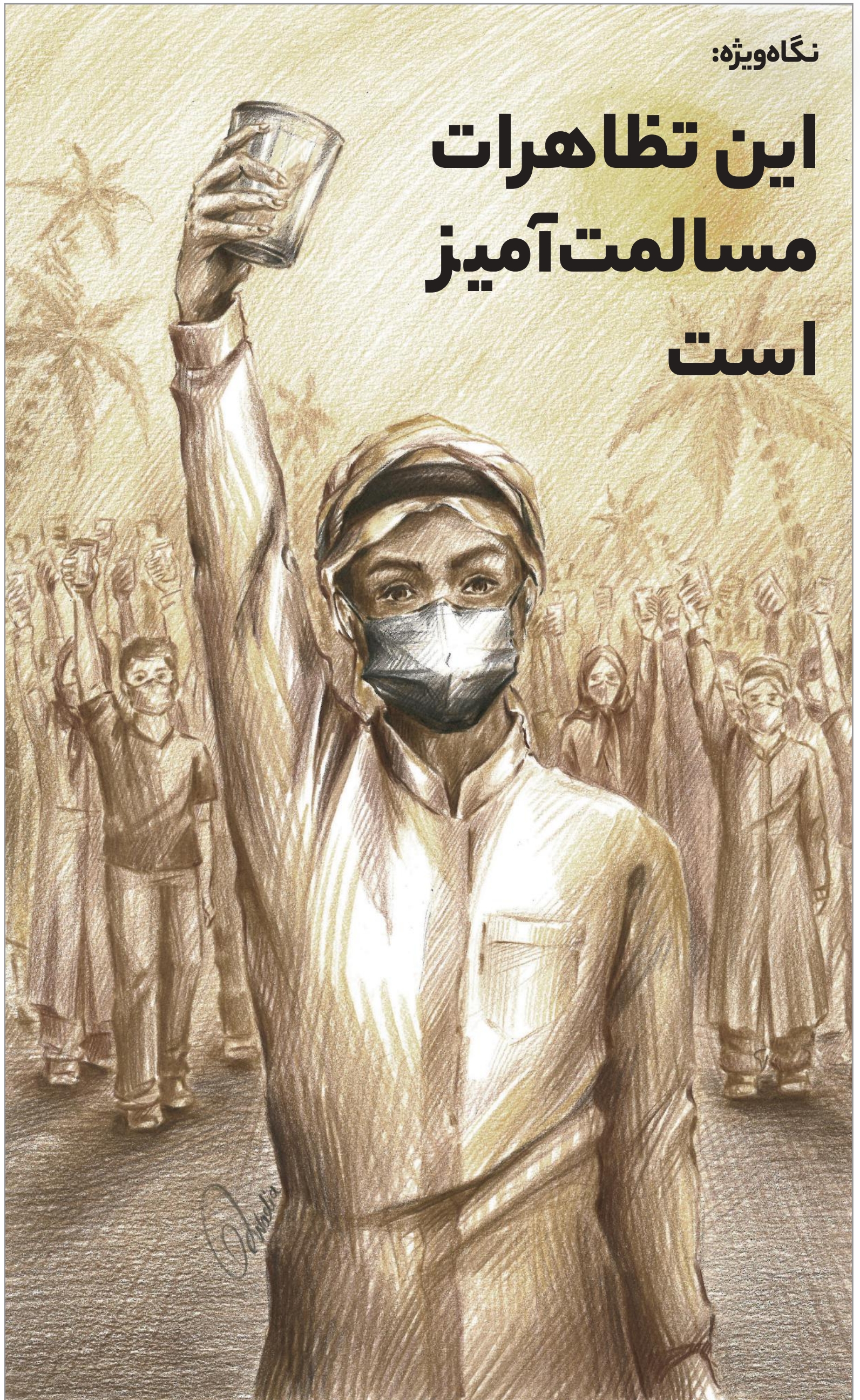
متأسفانه یکی از مشکلات موجود بر سر راه مردم در ایران برای اعتراض، چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی است. به‌طور مثال رویه کنونی وزارت کشور مبتنی بر لزوم اخذ مجوز برای هرنوعی از اجتماعات برخلاف اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

در گذشته و در زمان استقرار حکومت‌های استبدادی، رعیت حقی برای اعتراض نداشت و اگر صدایی از او برخلاف دستورات حکومتی برمی‌آمد به جرم برپایی آشوب و فتنه به محبس برده می‌شد. اما با گذر زمان و با شکل‌گیری حکومت‌های جدید که ساختار مدنی داشتند اوضاع به نفع مردم تغییر کرد. رعیت به شهروند بدل شد و حق اعتراض مسالمت‌آمیز پیدا کرد، یک پویایی به نفع حکومت و جامعه مدنی و نه بر ضد آن. باید توجه داشت این ساختارها هستند که رفتار شهروندان را شکل می‌دهند بنابراین نقش حکومت در مدیریت صحیح اعتراضات و پیشگیری از تبدیل شدن آن به آشوب و اغتشاش، استفاده از فنون سیاست‌گذاری عمومی مدیرانه است.

به نظر می‌رسد آنچه اکنون بیش از پیش باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به ضعف‌های مدیریتی در عرصه عمومی‌ست. تا آن هنگام که علم و دانش متخصصین و کارشناسان مورد استفاده کارگزاران قرار نگیرد، وضعیت نه تنها بهبود پیدا نمی‌کند بلکه وخیم‌تر نیز خواهد شد. در بحران پیش‌آمده برای خوزستان تدابیر محیط‌زیستی دولت وقت مورد انتقادات بسیاری قرار گرفت، اکنون انتظار می‌رود دولت سیزدهم سعی در اصلاح روند پیشین داشته باشد تا معضل به وجودآمده در خوزستان و دیگر استان‌های کشور که درگیر این وضعیت هستند، رفع شود.

## نگاه‌ویژه:

## این تظاهرات مسالمت‌آمیز است





هیئت تحریریه: سرویس خبرنگار، سجاد کاشانی، سرویس اقتصادی و اجتماعی: فرناز علیزاده، سرویس فرهنگی و هنری: مریم رحیمی، سرویس ادبی: الناز نوری، سرویس دارالفنون: الهام حق پرست، سرویس عکس: رسول هاشم‌آبادی، سرویس انگلیسی: شادی اسعدی، سرویس صوتی: المیرا طارقی.

همکاران این شماره: میثم درستی، الهه نیک‌فر، مژده مقیسه، اشکان عنبرزاده، حسین میرانصاری، امیرعلی برومند، حامد مهران، زهرا یزدان‌نژاد، فرناز مهدی‌زاده، حنیبه طوسی، مریم مصدقی، شهریار احمدی.

با تشکر از: دکتر علی سلامی.

صفحه آرا: امیرضارنگ‌آمیز، طراح جلد: نادیا نادری  
وبسایت: www.sdjdm.ir ایمیل: vaghayeh.mag@gmail.com

دو هفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شماره هفتاد و نه / نیمه اول مرداد ۱۴۰۰

## میانیت از کاربران؛ مرگ تدریجی یا یک رویا؟

سوال بعد این جاست، آیا زیرساخت‌های سنتی ایران را آن قدر روزرسانی کرده‌اید که قادر به رقابت با سلیکون ولی و وال استریت ایالات متحده آمریکا باشد تا لااقل در صورت ایجاد نمایندگی شرکت‌های دیجیتال در ایران، سرعت برقراری ارتباط با نمایندگان توسط مرکز، صدمه ثانیه باشد؟ چرا که هر ثانیه تأخیر در ارسال پیام و برقراری ارتباط برابر با عقب ماندن از بازار بزرگ رقابت‌های دیجیتال است.

سخن مردمانی که امروز از این طرح ناراضی هستند، نمایندگانی است که نطق‌های طوفانی خود را موجه فضای مجازی کردند که در صورت اجرا هزاران کسب و کار با کاملاً بسته می‌شوند و یا متضرر خواهند شد. نمایندگانی که استان‌هایشان متأثر از بحران‌های زیست محیطی وحشتناکی است که در صورت ادامه یافتن استان را غیرقابل سکونت خواهد کرد.

سوال امروز مردم از خبرنگاران و مسئولین این است که چگونه خاموشی‌های پیاپی، گرانی‌ها، فساد در بدنه اداری سازمان‌ها، بهره‌برداری‌های بی‌رویه و ناکارآمد و غیرکارشناسانه در برابر فضای مجازی از فوریت افتاده است؟ هم‌چنین کارشناسان در صفحات خود مطرح ساخته‌اند: مگر نه آن است که این مجلس، داعیه‌دار شفافیت و زدودن غبار از شیشه‌های دموکراسی بود؟ پس چگونه می‌شود که یک طرح تا مرحله اجرا می‌رسد اما هیچ سخنگویی حاضر به توضیح بندهای آن نیست؟

و این اتفاقات در سایه کلید خوردن استقبال بی‌رویه افراد از مهاجرت انجام می‌شود که طبق آمار این موج بی‌سابقه از زمان آغاز صحبت‌ها در مورد طرح صیانت کلید خورد.

فرجام آن که نگاه سنتی بسیاری از مردان سیاسی ایران به فضای مجازی، عدم آگاهی از این بستر و از همه مهم‌تر عدم اشراف به موضوع، همواره موجب برخوردهای نادرست سیستم قدرت، جبهه گرفتن به جای تدبیراندیشی کارشناسانه و هم‌چنین دولتی نمودن این بستر می‌شده، که سرانجام آن حتی اگر بستر سازی شده باشد، اپلیکیشن‌ها، سروش، با کیفیتی غیرقابل مقایسه با رقبایش می‌شود.

میزبان محدود و فیلتر خواهد شد، که قطعاً اگر تعداد این شبکه‌ها زیاد باشد، درکل پهنای باند برای بسترهای خارجی محدود خواهد شد و دیگر میزبانان نمی‌توانند از شبکه‌هایی مثل گوگل و تلگرام و اینستاگرام، احتمالاً حتی با VPN استفاده کنند.

بسیار عالی می‌شود اگر دیگر کسی به خود اجازه ندهد تا از ایالات متحده آمریکا با برقراری یک تماس به خط شما تمام اطلاعات تلفنی به سرقت نیرند و تمام بسترها به

هویت ایرانی شما احترام بگذارند و از منطقه ایران و زبان فارسی پشتیبانی همه جا نبه داشته باشند) حقیقتی که نباید منکر آن شد.

اما سوال این جاست که آیا ایران در جایگاهی قرار دارد که گوگل، مدیرعامل و نمایندگانش را به ایران بفرستد تا تقریباً سه ماه

در بروکراسی فارسی زبان ایران برای دریافت اجازه فعالیت، بکوشند؟ مرفق باسخان باشید، چرا که امروز بسیاری از قشر سنتی ایران که هیچ آشنایی به فضای مجازی نداشته و فضای مجازی را با القابی چون بلاد کفر، بستر گمراهی و بستر دشمنی می‌خوانند، وظیفه شرکت فیس‌بوک و گوگل را گرفتن مجوز از ایران می‌دانند. این درحالی است که بعنوان مثال فیس‌بوک باید رقابت خود در بازار چین و اروپا را برای دریافت مجوز همکاری با ایران به تعویق بیاورد.

اکاذیب، شکست‌های عاطفی و تجاوز به حریم شخصی افراد و ...

جمهوری اسلامی ایران، به علت جهان بینی متفاوتش در مورد جامعه بین الملل توسط سیاست خارجی تعریف شده در قانون اساسی، همواره راه متفاوتی را نیز از دیگر کشورهای رو به رشد و یا به رشد رسیده داشته است و این تفاوت پیامدهای خود را دارد. از این پیامدها می‌توان به عدم پشتیبانی بسیاری از سیستم عامل‌ها از زبان فارسی)

و یا پشتیبانی ناقص ( ، محدود ساختن بسیاری از حساب‌ها و نرم افزارها برای منطقه ایران، عدم اجازه دسترسی به دولت برای داشتن اطلاعات کاربران و IP آن‌ها اشاره کرد. در چنین شرایطی، طرح صیانت از کاربران برای جلوگیری از اخلال در امنیت اقتصادی کاربران و یا اخلال در امنیت ملی و قدرت و استقلال کشور در جهت ایجاد آشوب‌ها، باید فضایی را ایجاد کند، که بسترهای خارجی، نمایندگان خود را به کشور طالب فرستاده و درخواست ثبت مجوز اشتغال در آن کشور را ثبت کنند تا پس از بررسی، قراردادی مبنی بر اجازه فعالیت برای‌شان صادر شود. در صورتی که هر یک از این شرکت‌ها اقدامی نکنند، در پایان مهلت ثبت درخواست، بسترهای‌شان از سوی کشور



سجاد کاشانی  
کارشناسی علوم سیاسی ۹۸

ایران اسلامی، امروز در آستانه غباری که از کالبد بی‌جان هورالعظیم، به بطن بی‌روح گاو میش‌های کرخه می‌وزد، در شب‌های بی‌روشنای تهران و روزهای تشنه سیستان و بلوچستان، در آستانه اجرای طرحی قرارداد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نسبت به آن ارجحیت قائل شده و عجلتاً در فوریت اجرا قرار گرفته است.

این درحالی است که امروز، افرادی که پیش از انتخابات مجلس، داعیه‌دار شفافیت بودند، نه تنها هیچ‌گونه توضیحی را مبنی بر تبیین این طرح برای انتخاب کنندگان‌شان لازم ندانسته‌اند، بلکه در اوج نگرانی کاربران و صاحبان مشاغل دیجیتال، دوگانه‌ای را ایجاد کرده‌اند، که بسیاری از نمایندگان معتقدند در ادامه روند اجرای طرح صیانت از کاربران، بسترهای مجازی که مرجع خارجی دارند(در رأس آن‌ها گوگل، تلگرام و اینستاگرام) محدود خواهند شد و بسیاری دیگر نیز این سخن را بلاسند می‌دانند.

ماجرای یک طرح و هزار سخن، آیا بسترهای اجرای آن آماده است؟ پس از انقلاب دیجیتال در دهه ۸۰ میلادی و به دنیا آمدن، گسترش و عمومی شدن فضای مجازی در پی آن، فناوری‌های دیجیتال، رسانه‌های ارتباط جمعی و بسترهای مجازی، شهرهای شبکه‌ای را ایجاد کردند که این شهرهای شبکه‌محور هم‌چون جهان عینی، برای شبکه‌وندی‌های خود(شهروندی‌های جهان شبکه‌ای) هویتی تازه تعریف می‌کرد.

این‌جا شما می‌توانستید صاحب یک هویت غیرواقعی و مجازی باشید که با آن‌چه هستید کاملاً متفاوت باشد، حتی جنسیت خود را خلاف آن‌چه هستید تعیین کنید. این حق انتخاب‌ها می‌توانست موجب ناهنجاری‌هایی شود که کاملاً بر جهان اجتماعی واقع تأثیر بگذارد. اجمله کلاهبرداری‌های اقتصادی، اختلال برای امنیت ملی، نشر

## مصوبه آسیب‌زدا یا آسیب‌زا؟ مسئله این است

سنگی جلوی پای‌شان بگذاریم، عالی‌ترین هدف از آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی، تولید علم است. تصویب چنین مقرره‌هایی می‌تواند مانع و سد بزرگی در برابر این هدف باشد. مقررات و مصوبات وزارت علوم باید هم‌سو با اهداف آموزش عالی باشد نه مانعی برای وصول به این اهداف. قطعاً مضار تغییر رشته در مقطع کارشناسی ارشد حتی به رشته غیرمرتبط، به مراتب کم‌تر از منافع و ثمرات آن است. اگر هم ضرر و آسیبی داشته باشد می‌توان در جهت رفع یا کاهش آن قدم برداشت. اما آن‌چه حائز اهمیت است این است که مصالح فردی داوطلب و منافع عمومی جامعه این تغییر در رشته را ایجاب می‌نماید. تغییری که می‌تواند نویدبخش و آغازگر اتفاقات درخشانی برای فرد و جامعه باشد. داوطلبی که دروادی تحصیلات تکمیلی قدم می‌گذارد دغدغه‌مند است و شورو شوق دارد. اگر این شورو اشتیاق وافر و آتشین او را مدیریت نماییم و سازوکارهای تحصیل در آن حوزه‌ای را که می‌خواهد فراهم نماییم، می‌تواند شکافنده علوم باشد و توسعه‌دهنده دانش.

مقرره‌ای را نمی‌پذیرد. وقتی چیزی به‌عنوان یک فرهنگ آموزشی طی سال‌ها در یک جامعه اتفاق افتاده باشد، شما نمی‌توانید با یک مقرره و مصوبه شتاب‌زده مانع بروز و ظهور این فرهنگ شوید. ....

سوم: چرا امکان توبه آموزشی را از داوطلبان و دانشجویان می‌گیریم؟ وقتی شخصی به اشتباه رشته‌ای را انتخاب کرده و به اشتباه‌تر تا پایان مقطع کارشناسی آن را ادامه داده است، چرا نتواند در مقطع کارشناسی ارشد به دنبال تحصیل در رشته‌ای باشد که مطابقت بیش‌تری با ایده‌آل‌ها و شوق فردی وی دارد؟ همه ما افراد موفق‌تری را می‌شناسیم که سال‌ها در رشته‌ای درس خوانده اما در برهه‌ای از زمان تصمیم به تغییر مسیر علمی و آموزشی خود گرفته‌اند و به مراتب موفق‌تر بوده‌اند.

عقل و منطق ایجاب می‌کند در کنار افرادی که قصد تغییر مسیر درست زندگی را دارند، بایستیم و سازوکارهایی اتخاذ نماییم که معین و یاری‌گر آن‌ها باشد نه این که

نسبت به تصمیمات و سیاست‌های وزارت علوم نمی‌شود؟ علت تصویب چنین مقرره‌ای را ارتقا کیفیت آموزش عالی دانسته‌اند اما کاش نظام تصمیم‌گیری مستند، مستدل و به‌صورت میسوط در این خصوص توضیحات خود را ارائه دهد. چرا جلسات و مناظراتی برگزار نمی‌شود تا موافقان و مخالفان طرح ارائه نظر کنند؟ قطعاً افکار دلیلی قانع‌کننده‌ای وجود داشته باشد، افکار عمومی در برابر استدلال و ادله متقن قانع می‌شود.

در متن نامه آمده است ورود به رشته‌های غیرمرتبط، آسیب‌های زیادی را به کیفیت آموزش عالی وارد کرده است. سوال این است که اولاً چه آسیب‌هایی؟ ثانیاً با فرض وجود آسیب، آیا یافتن راه‌حل‌های رفع یا کاهش آسیب منطقی است یا تصویب مقرره‌ای به مراتب آسیب‌زاتر؟ به نظر می‌رسد به‌جای آن که راهکاری جهت مرتفع کردن این موضوع یافت شود، صورت مسئله پاک شده است. اخذ هر تصمیمی قطعاً پیامدهای مثبت و منفی دارد.

آسیب‌هایی دارد و خوبی‌هایی. معایبی دارد و مزایایی. بنابراین در روند تصمیم‌گیری باید آن‌چه را انتخاب کنیم که آسیب کم‌تر و محاسن بیشتری دارد. پس استدلال به این که این تغییر رشته آسیب‌زا است با ذات و ماهیت انتخاب‌های انسانی که همواره وجهی از آن همراه خسارت است، تعارض دارد. آسیب‌ها باید شناسایی شوند و در جهت جبران آن‌ها تدابیری اتخاذ شوند نه آن‌که مصوبه‌ای وضع شود که حقی را از داوطلب سلب کند.

دوم: همواره یکی از ملاک‌ها و معیارهای قاعده‌گذاری قانون‌گذاری این است که به احساسات عمومی و خواست عمومی توجه شود. این‌گونه ارزش‌گذاری‌ها و هنجارگذاری‌های خلاف فرهنگ و خواست عمومی، حتی اگر به شکل قانون هم دربیاید باز هم در عمل توفیق و توفیری نخواهد داشت. افکار عمومی و احساسات جمعی چنین



حسین میرانصاری  
کارشناسی ارشد حقوق ۹۹

«همانگونه که به خوبی استحضار دارید تا کنون پذیرش دانشجو در آزمون کارشناسی ارشد در همه رشته‌ها از بین همه داوطلبان و صرف‌نظر از رشته تحصیلی در دوره کارشناسی صورت می‌پذیرفت که آسیب‌های زیادی را به کیفیت آموزش عالی وارد ساخته است.

پس از بررسی‌های تخصصی و پیگیری‌های مستمر دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی بر اساس مصوبه اخیر شورای سنجش و پذیرش کشور از سال ۱۴۰۱ سنجش و پذیرش داوطلبان در آزمون کارشناسی ارشد فقط از بین دانش‌آموختگان دوره کارشناسی رشته‌های مرتبط امکان‌پذیر خواهد بود...»

متنی که خواندید بخشی از نامه‌ای است که محمدرضا آهنجیان مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی سازمان سنجش، در تیرماه سال ۱۴۰۰ خطاب به دانشگاه‌ها اعلام کرده است. طبق مصوبه فوق شورای سنجش و پذیرش قرار بود، و شاید قرار باشد، که از سال آینده ۱۴۰۱، پذیرش داوطلبان در مقطع کارشناسی ارشد، فقط در رشته‌های مرتبط امکان‌پذیر باشد. مصوبه‌ای چالش برانگیز و جنجالی که واکنش افکار عمومی را در پی داشت. در این میان نخبگان و داوطلبان تحصیلات تکمیلی که ذی‌نفعان امر هستند عکس‌العمل شدیدتری نشان دادند؛ چرا که چنین مصوبه‌ای حقی را از داوطلبان تحصیلات تکمیلی سلب می‌کند که می‌توانند نقش به‌سزایی در آینده علمی و کاری آن‌ها ایفا نمایند. شروع و تشدید واکنش افکار عمومی سبب شد که وزارت علوم کمی عقب‌نشینی کرده و این مصوبه شتاب‌زده و غیرکارشناسی شده را به حالت تعویق درآورد و اجرای مصوبه را موقوف به بررسی‌های کارشناسانه نماید!

بعد از شرح موقوف مصوبه سنجدیده وزارت علوم، می‌خواهیم از چند منظر به تحلیل آن بپردازیم. نخست: متعاقب واکنش‌ها به مصوبه اخیر وزارت علوم، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی اعلام کرد پذیرش در مقطع کارشناسی ارشد طبق روال سابق صورت خواهد گرفت و تصمیم‌گیری در خصوص مصوبه، به مطالعات و بررسی‌های کارشناسی موقوف شده است یعنی به بیان ساده فعلاً خبری از مصوبه نیست و به حالت تعویق و تعلیق درآمده است. سوال نخست از بزرگواران متولی وزارت نظام تصمیم‌گیری‌های کلان وزارت علوم این است که مگر نباید قبل از تصویب چنین مصوباتی اقدامات و بررسی‌های کارشناسانه دقیق صورت بگیرد؟ مگر نباید مصوبات در ابتدا از یک پشتوانه علمی و منطقی قابل قبول برخوردار باشند و سپس تصویب شوند؟ آیا این شکل تصویب موجب وهن



ISNA PHOTO  
Ali Arvar



# اقتصادی و اجتماعی

۳

<span></span>	<div><b>مژده مقبسه</b> <p>کارشناسی حقوق ۹۸</p></div>
---------------	------------------------------------------------------



بعد از آن که با ماهیت مهاجران غیرقانونی و فرآیند بسیار ناامن مهاجرت آن‌ها آشنا شدیم، باید ببینیم آیا راهی برای مسدودکردن این مسیر سراسر خطر و تبدیل آن به راهی امن‌تر وجود دارد یا خیر؟

آن‌چه واضح می‌نماید این است که پاسخ به عمل قاچاق مهاجران نمی‌تواند به اقدامات سرکوب‌گرایانه محدود شود، چرا که این گونه برخوردها به جای آن که مهاجرت غیرقانونی را متوقف کند، به گسترش آن و مخفی شدن و پیچیده‌تر شدن راه‌های ارتکابش می‌انجامد. برای جلوگیری از مهاجرت غیر قانونی و قاچاق مهاجران، باید اقدامات مناسبی در هر دو کشور مبدأ و مقصد صورت بگیرد. اقدامات پیشگیرانه در سطح ملی، شامل جرم‌انگاری و اقدامات حمایتی و آموزشی می‌شود. پروتکل دوم کنوانسیون پالمرو که در جهت مقابله با مهاجرت غیرقانونی تدوین شده است، در ماده ۶ کشورهای متعاهد را ملزم می‌کند به تصویب قواعد پروتکل و سایر قوانین لازم برای جرم‌انگاری قاچاق مهاجران بپردازند. در ماده ۳۱ این کنوانسیون، دولت‌های متعاهد ملزم شده‌اند که با استفاده از رسانه‌های جمعی و ابتکارات اقتصادی و اجتماعی، سطح آگاهی‌های عمومی را بالا ببرند و از قربانی شدن مهاجران در گروه‌های سازمان‌یافته جانی، جلوگیری نمایند. از آن جا که عمدهٔ مهاجرت‌های غیرقانونی از مبدأ کشورهای درحال توسعه صورت می‌گیرد و در این جوامع صرف زندگی یک فرد در کشور خارجی فارغ از این که چه شغل و جایگاه و منصبی در آن کشور دارد، امتیاز تلقی شده و مایهٔ مباهات است و به نوعی تعداد مهاجرین بالقوه در این جوامع زیاد است و در نگاه آن‌ها، مهاجرت مقارن است با دنیایی واهی که سراسر شادی و خوشبختی

### زنگنه: تحریم‌ها درآمدهای نفتی را ۱۰۰ میلیارد دلار کاهش داد



وزیر نفت گفت: اگرچه مدیریت ما مدیریت جهان سومی است و این قابل انکار نیست، اما با وجود همه مشکلات، عملکرد دولت عالی بوده عملکرد دولت در این ۳ سال از مصادیق عینی اقتصاد مقاومتی بود.

وی با بیان اینکه صادرات فرآورده‌های نفتی در این دولت قابل مقایسه با دوره قبل تحریم‌ها نبود، افزود: در دوره قبل تحریم‌ها ما بیش از یک میلیون بشکه نفت خام معافیت برای صادرات داشتیم، اما در این دوره نه برای نفت خام و نه برای میعانات گازی و نه برای فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی حتی یک بشکه و یک تن هم معافیت نداشتیم.

<span></span>	<div><b>دوهفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شمارهٔ هفتاد و نه / نیمهٔ اول مرداد ۱۴۰۰</b></div>
---------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

## مغروقین آسمان‌های آبی‌تر

(قسمت سوم)



شأن انسانی آن‌ها مورد احترام قرار بگیرد. منظور از اقدامات حمایتی، این است که دولت‌ها نباید مهاجران را تحت شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار دهند و باید ابزارهای مناسبی را به کار ببندند تا از مهاجران در برابر سختی‌ها و بی‌رحمی‌هایی که ممکن است از طرف سایر اشخاص و گروه‌ها صورت پذیرد، حمایت نمایند . دولت‌های متعاهد باید به استخدام، آموزش و ایجاد فرصت‌های شغلی و تربیتی برای مهاجران اقدام کنند. نکتهٔ مهم این است که صرف غیرقانونی بودن مهاجر، نمی‌تواند بهانه‌ای باشد برای این که دولت به سایر حقوق او بی‌توجهی نماید و مثلاً در صورتی که مهاجران، بعد از ورود غیر قانونی با استناد به

<span></span>	<div><b>مژده مقبسه</b> <p>کارشناسی حقوق ۹۸</p></div>
---------------	------------------------------------------------------



در هنگام بروز یک مشکل، بیش‌تر از یک نهاد یا سازمان و نظام ساختاری‌اش، کارکنانی مقصراند که بی‌چون و چرا مطابق با قوانین و یا هنجارهای غلط آن رفتار می‌کنند؟ با یک مثال ساده شروع می‌کنیم؛ برگزاری جشنواره‌های دانش‌آموزی در مدارس.

از جانب آموزش و پرورش اطلاعیه‌ای به مدارس ابلاغ می‌شود که شرایط و توضیحات مفصلی دربارهٔ این جشنواره‌ها نوشته و از دانش‌آموزان دعوت شده تا در آن شرکت کنند. از قسمت خوب این مسئله که به توانمند شدن دانش‌آموزان تا حدی کمک می‌کند می‌گذریم، از ضرری که می‌بینند، صحبت کنیم.

اگر به کانال‌ها و گزارش‌های مدارس متفاوت و به‌طور کلی آموزش و پرورش نگاهی بیندازیم؛ لیستی از کارهایی که انجام داده‌اند را می‌بینیم (در ظاهر اصلاً ایرادی ندارد) و با اگر دقت کرده باشید در ورودی بعضی مدارس بنرهایی وجود دارد که در آن اسامی دانش‌آموزان و رتبه های آنان در جشنواره‌ها و مسابقات نوشته شده است. در باطن این مسئله واقعیتی تلخ وجود دارد. واقعیتی تلخ تحت عنوان تبلیغات!

این ارائه لیست به دو دلیل انجام می‌گیرد؛ اول بگویند ما در جهت انجام فعالیت‌های فرهنگی در کنار آموزش گامی برداشته‌ایم، دوم برای جذب نیرو و دانش‌آموز. همین مسئله می‌تواند آسیب ایجاد کند. دانش‌آموز یاد می‌گیرد مقام آوردن بهتر از یادگیری است، برخلاف آن‌طور که گفته می‌شود نمرة بالا و پایین تفاوتی ندارد، مهم یادگیری است اما می‌دانیم در واقع این چنین نیست، او برای برتر بودن، به رقابت‌هایی می‌پردازد که سرتاسر مضر و بی‌فایده است و پایانی ندارد، مطالعات و تحقیقاتی فراتر از سن خود را انجام می‌دهد و این مسئله به‌شدت آسیب‌زا است.

در گفت‌وگو با یک دانشجو در این باره از وی پرسیده شد. او این چنین یادآور شد که در زمان تحصیلش در مدرسه، دانش‌آموزان را دو گروه کردند، گروه اول آن‌هایی که معدل‌شان بالاتر و گروه دوم آن‌هایی که معدل‌شان پایین‌تر بود. در دو کلاس متفاوت و با برخورد‌هایی متفاوت‌تر. او اظهار کرد این اقدام، علاوه بر آسیب تحصیلی، آسیب روحی نیز برایش داشته و بعدها که متوجه شده دلیل این کار بالا بردن رتبهٔ مدرسه بوده، هضم این مسئله برایش سخت‌تر شده است. اما مسئله اصلی این است که هر سازمانی قوانین، هنجارها، اپدولوژی، اندیشه و هدف خاص خود را دارد. هر فردی که در سازمان یا نهادی مشغول به کار می‌شود، طبق خطمشی آن رفتار می‌کند، و این موضوع تا زمانی که اهداف سازمان در مسیر درست باشد و منافع جمعی را تأمین کند، مشکلی را به وجود نمی‌آورد.

در مثالی که ذکر شد این شروط وجود ندارد و سوالی که

### از ایجاد ارتباط چه می‌خواهیم؟



مشترکی داریم، احساسات مشابهی داریم و آرزوها و تخیلات مشابهی را شکل می‌دهیم. شاید تجربه کرده باشید لحظاتی را که درست قبل از بیان کردن احساس‌تان دربارهٔ پدیده‌ای خاص، دیگری احساس مشابهی را بیان می‌کند. گویی از دل و زبان شما سخن گفته است. این همان لحظاتی است که نیاز به تجربهٔ مشترک‌مان ارضا می‌شود.

**۵. بیان خود:** نیاز به بیان هویت، یعنی بتوانیم ترجیحات، سلیاق و علایق‌مان را با دیگری به اشتراک بگذاریم. بسیاری از ما در دوران رشد و تحول‌مان از بیان آن‌چه هستیم و آن‌چه می‌خواهیم باشیم احساس شرم کرده‌ایم چون دیگری نبوده‌اند تا هویتی که برای خودمان انتخاب می‌کنیم را بپذیرند و تایید کنند.

**۶. تأثیر گذاشتن بر دیگری:** ما نیاز داریم بر دیگران مهم زندگی‌مان تأثیر بگذاریم. بتوانیم بر هیجانات، افکار و امیال دیگران اثراتی بگذاریم. نیاز داریم در لحظات خاص تأثیرات حضورمان را بر دیگری مشاهده کنیم. نیاز داریم ببینیم هنگام بروز هیجانات‌مان در دیگری چه تغییراتی ایجاد می‌شود. شاید به صورت ناهشیار نیاز داریم بدانیم چقدر شایستگی آن را داریم که دیگری به ما اجازه بدهد بر او اثر بگذاریم.

**۷. دیگری نخستین قدم را بردارد:** آن‌زودکی در روابط‌مان با والدین، نیاز داریم در لحظاتی خاص، آن‌ها آغازگر رابطه باشند، قدم‌هایی به سمت ما بردارند، از نیازهای‌مان بپرسند، ما را در آغوش بگیرند تا برای وجودمان در رابطه، احساس ارزشمندی کنیم. در بزرگسالی و در روابط‌مان نیز گاه نیاز داریم دیگری مهم ما نخستین قدم را در مکالمه، ارتباط و فهمیدن ما بردارد.

**۸. بیان عشق:** قدردانی، سپاسگزاری و تشکر، بخشی از نیاز مشترک انسان‌ها برای بیان عشق است. بیان علاقه و محبت، بخش پیچیده‌ای از هر رابطه معنادار است. گرچه توانایی هرکدام از ما در بیان این نیاز نیز متفاوت است.

اولین قدم در راستای ارضای نیازهای ارتباطی‌مان، شناسایی و به رسمیت شناختن آن‌هاست. هرکدام از ما با توجه ارتباطات ابتدایی دوران رشدمان، بخشی از این نیازهایمان رفع شده، بخش‌هایی به رسمیت شناخته شده و بخش‌هایی نیز نادیده گرفته شده‌است. شناخت الگوهای خاص ارتباطی‌مان به ما کمک می‌کند بفهمیم در روابط‌مان کدام نیازها را نادیده می‌گیریم و یا با نادیده‌گرفتن آن‌ها در دیگری، چه تأثیراتی بر آن‌ها می‌گذاریم. در این راستا توجه بیش‌تر به تجارب شخصی، خودشناسی، و روان‌درمانی می‌توانند بیش‌ترین کمک را به بهبود و افزایش کیفیت زندگی‌مان بکنند.

منابع:

Beyond empathy: (1۹۹۹). Erskine, R. G., Moursund, J. P. &amp; Trautmann, R. L

A therapy of contact-in-relationhip. Philadelphia: Brunner/Mazel

A Healing Relationship: Commentary on Therapeutic Dialogues

۲۰۲1 –Book by Richard G. Erskine

### زنگنه: تحریم‌ها درآمدهای نفتی را ۱۰۰ میلیارد دلار کاهش داد



<span></span>	<div><b>دوهفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شمارهٔ هفتاد و نه / نیمهٔ اول مرداد ۱۴۰۰</b></div>
---------------	--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

### مغروقین آسمان‌های آبی‌تر

(قسمت سوم)

کنوانسیون ۱۹۵۱ آوارگان، درخواست اقامت و پذیرش کنند، دولت میزبان باید به بررسی پرونده و اعطای پناهندگی به آن‌ها بپردازد و نمی‌تواند صرفاً به خاطر غیرقانونی بودن مهاجرت، درخواست اقامت فرد را رد نماید.

شایان ذکر است که هر فرد اعم از مجرم یا غیرمجرم، حق ارتباط با مقامات کنسولی خود را دارد؛ بنابراین مهاجرین غیرقانونی نیز حق دارند از دولتی که آن‌ها را دستگیر کرده بخوانند که ارتباط آن‌ها را با کنسول مربوطه برقرار نماید. ( البته این گونه مهاجران به علت ترسی که از شناسایی تابعیت و بازگرداندن‌شان به کشور دارند، معمولاً این کار را نمی‌کنند. )

علاوه بر اقدامات ملی در سطح بین‌المللی نیز، دولت‌ها باید در راستای مبارزه با قاچاق مهاجران همکاری نمایند و به اقداماتی مثل تبادل اطلاعات، تصدیق اعتبار اسناد سفر، و اعادهٔ مهاجران قاچاق شده به وطن خویش مبادرت ورزند .

آن‌چه گفته شد به طور کلی اقدامات و راهکارهایی است که امروزه برای کنترل و پیشگیری از قاچاق مهاجران و مهاجرت های غیر قانونی در دسترس دولت‌ها قرار دارد اما متأسفانه با وجود این که ایران، هم مبدأ بسیاری از مهاجرین بالقوه است و بخش زیادی از مردم آن در آرزوی مهاجرت هستند و هم به این علت که مقصد بسیاری از مهاجرین غیرقانونی کشورهای همسایه است که عمدتاً از مرزهای شرقی اقدام به ورود به کشور می‌کنند و به‌رغم آن که کنوانسیون پالمرو و پروتکل‌های آن انعطاف بسیار زیادی دارند، ایران و تعداد دیگری از کشورها، هنوز به این معاهده نپیوسته‌اند و قوانین مناسبی هم در زمینهٔ قاچاق مهاجران در کشور وضع نشده است. برای مقابله با گستردگی این جرم و کاهش آن باید موانع موجود در مسیر تصویب این مقررات و معاهدات، برداشته شوند تا مبارزه با قاچاق مهاجران، با سرعت و سهولت بیش‌تری پیگیری گردد.

## رفتار فرد تابع محیط اقدام اوست

(بررسی تأثیر سازمان‌ها بر افکار و اعمال افراد)

مطرح می‌شود این است؛ چه اتفاقی می‌افتد که یک مدیر، دبیر و عوامل دخیل در این مسئله، همراه این مسیر می‌شوند؟ در ظاهر باید گفت به این دلیل که آن‌ها کارمند این نهاد محسوب می‌شوند و طبیعی است که طبق الگو رفتار کنند. این موضوع کاملاً به نفع نهاد است؛ زیرا می‌تواند به‌وسیله قدرتی که دارد افکار و اعمال افراد را در اختیار بگیرد و اهداف خود برسد.

هدف و نتیجه در این موضوع، کسب مقام برتر توسط دانش‌آموز است، اگر او موفق شود مدیر و دبیر مورد تشویق قرار می‌گیرند اما در صورت عدم موفقیت، در مورد کارآمد بودن یا نبودن آن‌ها صحبت به میان می‌آید. در واقع کسب مقام توسط دانش‌آموز، رسیدن به اهداف را برای معلمان و مدیران به ارمان می‌آورد.

به دلیل ساختاری که وجود دارد و تحت تأثیر قرار گرفتن این شرایط، آن‌ها از وضعیت تبعیت می‌کنند و با بعد از مدتی طرز تفکر آن‌ها نیز دچار تغییر می‌شود. که در هر دو صورت منافع سازمان تأمین می‌شود. نمی‌توان گفت منافع شخصی افراد نادیده گرفته می‌شود و تحقق نمی‌یابد اما مسئله‌ای که در اینجا وجود دارد، هماهنگ‌کردن افراد و تفکر آن‌ها با ساختار نهاد است.

چهار منبع اصلی قدرت برای افراد که سازمان نیز به آن نیاز دارد، شامل : تخصص، اطلاعات، ارتباط با محیط و شناخت قواعد سازمان است . کارمندان می‌توانند با استفاده از این منابع، آزادی را در جهت تفکر و عمل خود تأمین کنند . یک معلم می‌تواند بر خلاف قاعده‌ای که در تدریس، رفتار و تفکر در آموزش و پرورش وجود دارد، گام بردارد، اما با توجه به دلایلی که گفته شد، این امر با تحقق پیدا نمی‌کند یا خیلی کم اتفاق می‌افتد.

پیرمولر و برونر ژوبر دو متخصص صاحب نام فرانسوی در زمینه سیاست‌گذاری عمومی با تمرکز بر سیاست‌های ملی و سیاست‌های ارزیابی، مفهوم مرجعیت را که برای تحلیل سیاست‌ها بسیار راه‌گشاست، ساخته و پرداخته‌اند. مرجعیت معرف ارزش‌های بنیادین یک جمع و جایگاهی هستند که جمع برای خود در میان جمع‌های دیگر تعریف می‌کند. هنگام مطالعه سیاست‌های عمومی با بهره‌گیری از این مفهوم می‌توان دو نوع مرجعیت را از یک‌دیگر متمایز کرد: مرجعیت بخشی و کلی.

بخش‌ها عرصهٔ ضرورت‌ها و منافع گروهی هستند. مرجعیت‌های بخشی تعیین‌کننده جایگاه بخش در کل سیستم سیاسی و مرزهای بخش است . بخش‌های آموزش، فرهنگ، صنعت، انرژی و دفاع را می‌توان به عنوان برخی از مهم‌ترین بخش‌های عرصهٔ عمومی که موضوع مداخله یا نظارت دولت هستند، نام برد. جایگاه هر بخش در عرصه عمومی و حدود مرزهای آن متأثر از مرجعیت کلی سیستم سیاسی است.

منابع:

میانی جامعه شناس، بروس کوئن

نگاهی به مشکل سیاست گذاری عمومی در ایران در قالب جامعه شناسی سازمان

ها و با بهره‌گیری از مفهوم مرجعت، وحید، ۱۳۸۴



## نگاه ویژه

۴

### یک اقدام جمعی، خیرخواهانه و البته اشتباه!

<span></span>	<div><b>حانیه طوسی</b></div> <div>کارشناسی جامعه‌شناسی ۹۸</div>
---------------	-----------------------------------------------------------------

در وضعیت کنونی قرن ۲۱ انواع گوناگون جنبش‌های مردمی در کشور سیر صعودی به خود گرفته‌اند، جنبش‌های مردم‌نهاد و کنش‌های جمعی برای پیش‌برد اهداف ملت، شرح وضعیت نابرابر یا نوعی اعتراض به آن است. اصولاً فعالیت‌هایی که محوریت آن بر‌مردم عادی متمرکز است و آن‌ها کنش‌گران اصلی هستند به انواع مختلف دسته‌بندی می‌شود که عمدتاً در ایران شمایل سیاسی آن تعریف نشده است و جایگاه مقبولی ندارد اما بخش فرهنگی که خیریه خوانده می‌شود و البته شالودهٔ آن مورد انتقاد است در دوران گذار به سر می‌برد. در نظریات کارکردگرایی عمومی اقدامات این چنینی و برخاسته از دل جامعه پذیرفتنی نیست زیرا در کارکرد آشکار آن زندگی زیبا و آکنده از رفاهی که به دست همدلی ملت و‌خوی هم وطنی حاصل شده است را شاهد هستیم اما کم‌تر کسی به کارکرد پنهان و ریشه‌ای آن که اقدامات هیجانی و فاقد سیاست است و نتیجه‌ای جز مسئولیت‌زدایی از حاکمان ندارد، می‌اندیشد.

حال روایت تلخ شکل‌گیری جنبش‌های اشتباه مردمی در کشور ما این است که پس از فاجعه‌ای خاص، کمپین‌ها تشکیل می‌شوند و الحق که به جهت روحیهٔ نوع‌دوستی و محبت به هم‌نوع از آن کمپین‌ها بسیار حمایت و جانب‌داری می‌شود. اما موارد این چنینی دچار لغزش هستند. کارزارهایی که به بن‌گاه اقتصادی و سیاسی تبدیل شده‌اند به مخفل رفع مسئولیت دولت بدل شده‌اند. ضمن این‌که این موارد نمی‌توانند فجاجع طبیعی و غیرطبیعی را از بین ببرد و در نتیجه گرهٔ جنبش‌های مردم‌مدار و بحران‌های مدیریتی عمیق‌تر می‌شود.

مصیبت تنها به این‌جا ختم نمی‌شود؛ مسئولیت اجتماعی گاه الزام‌آور نیست اما هنگامی که سلبریتی و افراد سرشناس که بر مطالعات اجتماعی اغلب سطحی تکیه می‌زنند و زمام‌دار کمپین‌ها می‌شوند، به جریان حوزهٔ نفوذ آن وسعت می‌بخشند. در پس تقاضای همراهی موج حمایت‌های مردمی که در افکار سردمداران آن فقدان سواد سیاسی و اجتماعی-اقتصادی دیده می‌شود، بانی امر ناخیری می‌گردند که در‌درون آن مطالبه‌گری از دولت که در اولویت قرار می‌شود. یکی دیگر از آثار ناخواسته و در مواردی خواسته، قصد کوچک‌شمردن دغدغهٔ اجتماعی و تقلیل آن به سمتی است که آذهان عمومی باورکنند بخش اعظمی از مشکلات مردمی به دست خود مردم و با اقدامات جزئی مثل جمع‌آوری پول نقد جهت خریدن آب معدنی برای سیراب کردن رودخانه حل می‌شود. اما این اقدامات چیزی جز پاک کردن صورت مسئله با راه حل موقت و ناه‌جا و انحراف افکار نیست، حتی در کلیت این بحث گاهی عامهٔ مردم دست به عمل اجتماعی منصفانه‌تری می‌زنند تا زمانی که اشخاص سرشناس با سیستم گل‌ریزان به جای تقویت مطالبه‌گری‌های به‌جا آن را به ابتذال بکشند. واقعیت این است که کمک‌ها و جنبش‌های مردمی که سراسر داوطلبانه و خیرخواهانه هستند، ممکن است به سرعت اندکی موجودیت‌شان را از دست بدهند اما تا آن هنگام که پابرجا هستند می‌توانند درصدی از توان هدررفته و ضررهای وارد شده را برگرداند ولی در خصوص اقدامات بزرگ و اساسی، حاکمیت است که باید وارد عرصه شود تا مشکل و بحران را به صورت ریشه‌ای حل کند.



**فرماندار شوش: حقوق عقب افتاده کارگران هفت تپه به زودی پرداخت می‌شود**

عدنان غزنی درخصوص مشکلات کارگران هفت تپه درگفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: به منظور رفع مشکل کارگران هفت تپه و پرداخت حقوق عقب افتاده آنها با کارفرما هماهنگی شده تا در اسرع وقت حقوق کارگران را پرداخت کند. وی ادامه داد: کارگران هفت تپه بیش از ۲ ماه حقوق عقب افتاده دارند ضمن اینکه کارگران غیرنیشکری نیز نگران قرارداد خود هستند.

فرماندار شوش بیان کرد: مشکل کارگران نیشکر هفت تپه به استاندار خوزستان، شورای تامین، وزیر‌کشور و دادستان کل کشور اطلاع داده شده است.

وی درخصوص مشکل کارگران فصلی و قراردادی هفت تپه نیز گفت: قرارداد ۱۷۰ کارگر فصلی دفع آفات این شرکت هنوز تمدید نشده که قرار است این مشکل ازسوی کارفرمای مربوطه برطرف شود.

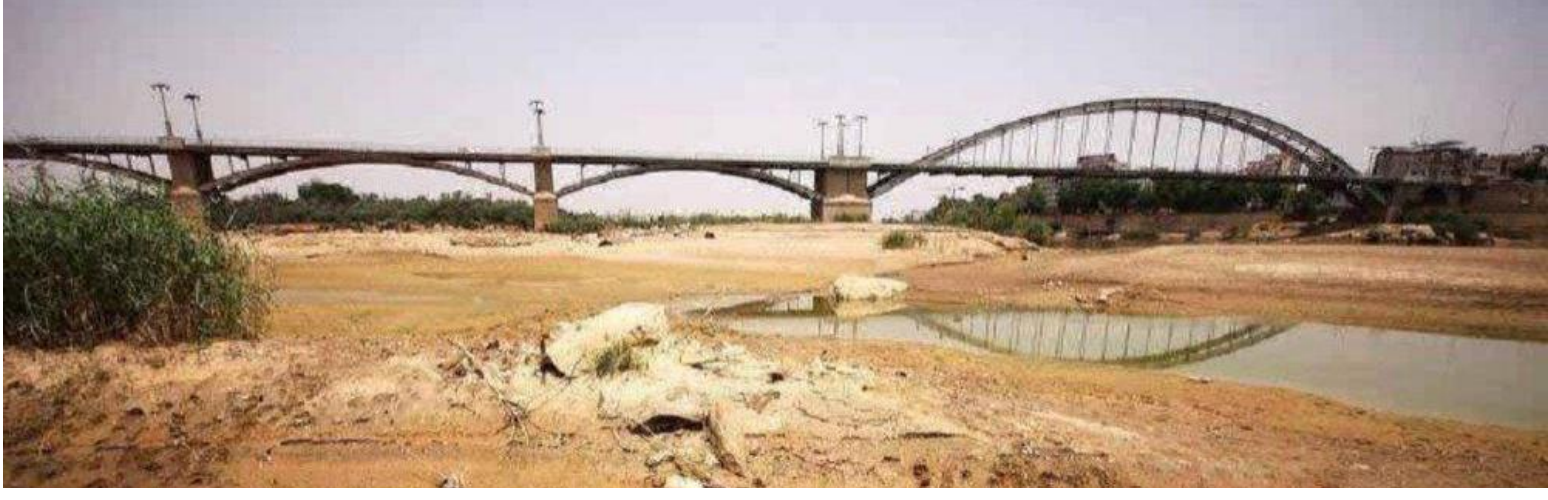
دوهفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شمارهٔ هفتاد و نه / نیمهٔ اول مرداد ۱۴۰۰

## ریشه بحران آب در خوزستان چیست؟

طرح گفته شده بود صفر تا صد این پروژه با حدود ۱۳۰۰ میلیارد تومان به سرانجام می‌رسد اما با صرف میلیاردها تومان تنها برای فاز اول، بروز تحریم‌ها و سقوط ارزش ریال، هزینه‌ها را به‌شدت افزایش داد.

درحالی‌که قرار بود پروژهٔ غدیرمشکل آب شرب ۲۵ شهرو ۱۶۰۰ روستای خوزستان را حل کند اما با گذشت سال‌ها از آغاز پروژه، تنها چند شهرو از جمله بخش‌های غرب و شمال غرب اهواز با این طرح به آب سالم دسترسی پیدا کردند و اوضاع در مناطق شرقی اهواز همچنان بحرانی است.

عمده علت بحران کم آبی در استان خوزستان به تعبیر کارشناسان، به انتقال آب از سرچشمه‌های این استان به نقاط مرکزی کشور و احداث سدهای زیاد در مناطق بالادستی رودخانه‌های کرخه و کارون است. به نحوی که بر روی حوضه کرخه، کارون، مارون و جراحی در مجموع ۱۷۰ سد احداث‌شده، که ۷۰ سد آن در کارون است؛ در بالادست کرخه در کرمانشاه ۱۵ سد و در ایلام بیش از ۱۰ سد ساخته‌شده که به اذعان صاحب‌نظران و کارشناسان آب هیچ‌کدام این سدها نباید ایجاد می‌شد و یا نیازی به ساخت آن‌ها نبوده است و هرگونه راه‌حل کوتاه‌مدت می‌تواند تبعات و پیامدهای خسارت باری درآینده به همراه داشته باشد. از این‌رو اگرچه خشک‌سالی موجب ایجاد تنش‌های جدی برای مردم به لحاظ مصرف آب شرب، کشاورزی و دامداری شده اما ضرورت دارد راه‌حل‌هایی جدی با پشتوانه علمی کافی برای موضوع در نظر گرفته شود. چراکه یکی از مشکلات استان خوزستان دست‌کاری و به هم زدن نظم طبیعت بوده به‌گونه‌ای که اثرات آن را در حال حاضر می‌توان مشاهده کرد.



## سندرم سدسازی بی‌قرار در خوزستان

**در نکوهش افراط در مدیریت سخت و تبیین لزوم گذار به مدیریت نرم منابع آب**

تغیرات در کیفیت آب پشت سدها از جمله دما، مواد مغذی، گازهای حل شده و همچنین تغییر آب و هوای منطقه (رطوبت، درجه حرارت)، تنوع‌زیستی و زیستگاه محلی منطقه را دست‌خوش تغییرات بسیار تنش‌آفرین و بعضاً بحران‌سازی می‌کند که امروزه دیگر نمی‌توان بر آن‌ها چشم پوشید. با این همه اگر چه برخی متخصصان معتقدند احداث سدهای زیرزمینی در مناطق خشک و به کارگیری فناوری نانو راه‌کارهای مناسبی جهت کاهش اثرات منفی سدسازی هستند، بسیاری دیگر از دانشمندان راه‌حل را در تغییر الگوی کلی حاکم بر فضای مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیستی یعنی حرکت به سوی مدل‌های نرم می‌دانند.

بنابراین مهار این وضعیت تنها در گرو مدیریت کارآمد و علمی بحران در شرایط کنونی و سپس برنامه‌ریزی درازمدت برای احیاء اکوسیستمی محیط‌زیست این استان است. اما چگونه می‌توان به احیای بوم‌شناختی در سطح اکوسیستم اندیشید و سخن از مدیریت کارآمد بحران سخن راند در حالی‌که مردم محلی جایی در معادلات تقسیم منابع و تسهیم منافع منابع آبی ندارند یا سهم آنان نسبت به حد قانونی و طبیعی آن‌ها بسیار کمتر است؟ لذا باید با بها دادن به مشارکت‌های مردمی، به کمک اهرم آموزش محیط‌زیست و برگزاری برنامه‌های تخصصی در جهت توانمندسازی مردم محلی و فرآزمایی واقعیت‌ها و محدودیت‌های بوم‌شناختی منطقه به همه‌ی گروداران آب، معادلات قدرت و حقوق و تکالیف گروداران منابع طبیعی در منطقه خوزستان را بازتعریف عادلانه، پایدار و منطقی کرد.

هم‌چنین در ترسیم مدل جدید حاکم بر اتمسفر حکمرانی

و هر سال از آسمان به ما می‌رسد و این ما هستیم که نمی‌دانیم در ترسالی و خشک‌سالی قطور از آن استفاده کنیم. موضوع دیگری که در مدیریت آب خوزستان باید مورد توجه قرار گیرد، انتقال آب از سرشاخه کارون و دز است. با توجه به تشدید و استمرار تنش آبی در خوزستان مسئولان و کارشناسان چارهٔ کار را در تغییر منبع تأمین آب خوزستان از کارون به کرخه و در بلندمدت از کرخه به سد دز یافتند؛ کاری که قرار شد در طرح آب‌رسانی غدیر عملیاتی شود.

این طرح به سه فاز تقسیم شد:

**فاز اول:** آب‌رسانی از قیصریه تا آبادان و خرمشهر؛ **فاز دوم:** تأمین آب شرب شهرهای اهواز، دشت آزادگان، هویزه و شادگان، **فاز سوم:** از ام‌الدیس تا آب‌گیر سد دز.

عملیات اجرایی پروژه ۲۶ آذر ۸۷ آغاز شد و قرار بود کل پروژه در پنج سال و تا پایان دولت دهم به بهره‌برداری برسد و آب شرب حدود پنج میلیون نفر را تأمین کند. علاوه بر آب‌رسانی به ۲۵ شهر و بیش از ۱۶۰۰ روستا، هدف دیگر این طرح جلوگیری از ورود پساب‌های شهری و صنعتی ۱۲ شهرو بیش از هزار و ۲۰۰ روستا به آب کرخه و کارون بود.

مجید نامجو وزیر نیروی دولت نهم، ۱۵ اردیبهشت ۸۹ گفت پروژهٔ غدیر به صورت ضربتی اجرا می‌شود و ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. هر چند او اشاره نکرد این ۶۰ درصد شامل چه بخش‌هایی است اما وعده داد که در سالوز آژادسازی خرمشهر این طرح به دست رئیس‌جمهور افتتاح خواهد شد که همین‌طور هم شد؛ افتتاحی که البته نمادین بود و دردی از مردم خوزستان درمان نکرد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد برای تکمیل طرح آب‌رسانی غدیر نیاز به منابع مالی فراوان است. گرچه در ابتدای



**میثم درستی**

کارشناسی ارشد حقوق ۹۸

این ایام نوشتن برای خوزستان سخت است اما ساکت بودن هم سخت‌تر است نمی‌خواهم به روال معمول ضجه و مویه بلندکنم. بخش عمدهٔ درد خوزستان درد کل کشور است. درد نبود مدیریت و عدم ارادهٔ حل مسائل مملکت از طرف دولت‌مردان که در این سال‌ها به نحو‌بازی برجسته شده بود و البته در خوزستان عمیق‌تر است.

بخشی از درد خوزستان اما درد آب است که آن‌هم سرمنشأ مدیریت دارد و نه البته مدیریت این دولت و آن دولت، بلکه سوء مدیریت مزمنی که چندین دهه است بر مسئله آب در کشور سایه افکنده است. از وقتی که تصور شد آب هست، اما در جای درستی نیست و باید منابع آب را مدیریت کنیم و آن‌ها را به جای درستش هدایت کنیم؛ از وقتی که تصور شد این آب که به دریا می‌ریزد و به هدر می‌رود را باید کنترل کنیم، ذخیره کنیم و از آن توسعه و پیشرفت دریابوریم؛ از وقتی‌که به جای مدیریت مصرف آب به فکر مدیریت منابع آبی افتادیم و طرح‌های مختلف انتقال آب کلید زده شد.

در ۵۰سال اخیر شاهد تغییرات اقلیمی، بروز سال‌های ترسالی و خشکسالی بوده‌ایم، اما اقدامات بشر موجب تغییرات منفی در این روند شده است. در سال ۹۸ و با بروز سیل، بسیاری از مسئولان از جمله وزیر نیرو اعلام ترسالی کردند. درحالی‌که این پیش‌بینی‌ها درست نبود و کاهش پا افزایش بارندگی به این شکل از نظر کارشناسان آب، پدیده‌های تصادفی هستند. منابع آبی ما تجدیدپذیر است



**امیرعلی برومند**

کارشناس علوم و مهندسی محیط‌زیست ۹۶

**مقدمه**

استان خوزستان معروف به گه‌واره تمدن‌های کهن ایران، یکی از حاصل‌خیزترین و ثروتمندترین استان‌های کشور از منظر منابع بوم‌شناختی و غنای طبیعی است که امروزه با سریالی از بحران‌های محیط‌زیستی دست و پنجه نرم می‌کند. این بحران‌ها، خصوصاً در حوزه آب، برون‌داد عدم شناخت و بی‌توجهی دست‌اندرکاران اجرایی مدیریت محیط‌زیست منطقه نسبت به جغرافیای متنوع و غنی زیستی و فرهنگی این استان، نداشتن اشراف کافی نسبت به پیچیدگی و حساسیت ذاتی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست، سیطرهٔ نگاه فن‌سالارانه بر نگاه اکوسیستمی و بی‌توجهی دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان به درس‌ها و تجارب جهانی مدیریت آب است. در سایهٔ نبود نگاه کارشناسی مبتنی بر آمایش سرزمینی و توسعه پایدار، تهدیدهای انسانی در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از جمله برداشت بی‌رویه و نبود ی پوشش گیاهی، توسعه ناپایدار صنعتی خاصه صنایع آب‌بری نظیر فولاد و پتروشیمی خارج از ظرفیت برد منطقه، مدیریت ناکارآمد آب و فاضلاب در مناطق صنعتی، کشاورزی و مسکونی، رشد مهارنشده جمعیت، ناکارآمدی مدیریتی و فساد گسترده در استان خوزستان یکی پس از دیگری تشدید شده و وضعیت بحرانی کنونی را که برآیند کلکسیون‌ی از خطاهای انسانی-مدیریتی و طبیعی هستند را پدید آورده‌است.

علاوه بر موارد فوق، یکی از مهم‌ترین دلایل بحران آب استان خوزستان افراط در مدیریت سخت منابع آبی بوده که راهبرد مقابله با آن پرهیز از استمرار بخشی به افراط



## حضور «قصیده گاو سفید» در جشنواره های ادینبورگ و ملبورن



فیلم «قصیده گاو سفید» به کارگردانی بهتاش صناعی‌ها، مریم مقدم و تهیه‌کنندگی غلامرضا موسوی در جدیدترین حضور جهانی خود در جشنواره‌های ادینبورگ و ملبورن به روی پرده می‌رود.

هفتاد و چهارمین دوره جشنواره فیلم ادینبورگ در حالی برگزار می‌شود که فیلم قصیده گاو سفید تنها نماینده سینمای ایران در بخش فیلم‌های بلند داستانی حضور دارد.

جشنواره ادینبورگ که از قدیمی‌ترین جشنواره‌های فیلم دنیاست از ۲۷ مرداد تا ۳ شهریور/۱۸ تا ۲۵ آگوست در اسکاتلند بریتانیا برگزار می‌شود.

دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شماره هفتاد و نه / نیمه اول مرداد ۱۴۰۰

## آرت نوو؛ بدعت هنری قرن بیستم

تا هنرمندان از نگاه قدیمی خود دست بکشند و به سمت سبک‌های جدید بروند. به نوعی می‌توان این گرایش را اولین مکتب هنری قرن بیستم دانست که گذر از عهد کلاسیک قرن نوزدهم را به عصر مدرنیته در قرن بیستم ممکن ساخت.

از هنرمندان این سبک می‌توان ویکتور هورنا، گوستاو کلیمت، آفونس موشا را نام برد.



قرار دهد و آن را قابل دسترس و با مفهوم کرده و به زندگی روزمره مردم وارد کند، این عقیده بسیاری از هنرمندان آرت نوو را تحت تأثیر قرار داده بود. این هدف او تا اندازه‌ای در سبک آرت نوو ظهور پیدا کرد. هنرمندان پیرو آرت نوو اگرچه تلاش می‌کردند خود را از سنت‌های حاکم بر هنر اروپا دور کنند، ولی در عمل نتوانستند از تأثیر سبک‌های گذشته کاملاً به دور باشند. تلاش اصلی آن‌ها یافتن نقش و نگارهای انتزاعی مبتنی بر توازن خطوط بود.

با نزدیک شدن جنگ جهانی در سال ۱۹۱۴ هنر نو رو به افول بود و به آخرین تلاش‌های خود رسید. هنر نو در طول عمر کوتاه و گذرای خود توانست نوع نگاه تاریخی در عناصر تزئینی را به عقب براند و زبان تزئینی تازه‌ای را به وجود آورد. هنر نو توانست هنر به عقب رانده شده توسط صنایع آن زمان را دوباره شکوفا سازد و تلفیقی میان هنر و صنعت پدید آورد. این نهضت یک بدعت هنری بود. هنری برگرفته از اندیشه‌های نو که پرستش طبیعت، دخل و تصرف‌های شاعرانه، تشبیهات، بازی با نور و رنگ، سپالی خطوط و آزاد سازی احساسات و پتانسیل‌های روانی را اساس کار خود قرار داده بود.

آرت نوو با وجود عمر کوتاهی که داشت نقش بزرگی در شکل‌گیری هنر معاصر داشت، چرا که کمک کرد



هنری آرت‌نوو تأثیراتی از هنر سایر ملل، خصوصاً هنر و صنایع دستی قدیمی مانند هنرهای ظریف ژاپنی، دست‌نوشته‌های باستانی، سفال‌گری ایران باستان، خطوط تذهیبی ایرانی، شیشه‌کاری رومیان و هنرهای دوره گوتیک و روکوکو دیده می‌شود. حس و حال زنده و پر حرکت، خطوط و اشکال نرم و پریچ و خم به این آثار زیبایی تازه‌ای بخشیده بود.



معروف‌ترین اثر این سبک هنری ورودی ایستگاه های مترو پاریس است که توسط ویکتور گویمارد و به سبک آرت نوو طراحی شده است.

ویلیام موریس نظریه‌پرداز هنری انگلیس در تلاش بود تا هنر را در اختیار همه مردم، از عوام و خواص،

**مریم مصدقی**  
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر

در اواخر قرن نوزدهم، هنرمندان به دنبال راه‌های تازه‌ای می‌گشتند که هم‌زمان و در راستای تحولات علمی، صنعتی و اجتماعی، نیازهای آن‌ها را برآورده کند. تلاش برای پیدا کردن ارزش‌های معنوی نیز بخشی از این جست‌وجو بود که از حدود ۱۸۹۰ میلادی به ایجاد سبک هنری جدیدی منجر شد. این سبک در طول مدتی کوتاه، به یک جنبش همگانی بزرگ در اروپا تبدیل شد، ذوق هنری غرب را تحت تأثیر قرار داد و تا سال ۱۹۱۴ سبک غالب هنر در دنیای غرب بود. این سبک هنری «هنر نو» یا همان «آرت نوو» نام دارد، که از درون تلاش‌ها و جست‌وجوهای هنری هنرمندان این دوران سر برآورد و بر همه هنرها از نقاشی و مجسمه‌سازی گرفته تا هنر کتابت و تزئین جلد، پوسترسازی (گرافیک)، تصویرسازی کتاب، معماری و تزئینات داخلی، صنایع دستی و همچنین موسیقی و تئاتر و ادبیات تأثیر گذاشت.

منشا نام Art Nouveau از گالری متعلق به زیگفرید (معروف به ساموئل بینگ) که در سال ۱۸۹۵ افتتاح شد، گرفته شده است. «هنر نو» در آلمان به نام یوگن استیل (سبک جوان) معروف شد، در فرانسه به همین نام آرت نوو (هنر نو) در اتریش به نام انشعاب، در ایتالیا به نام استیل لیبرتی (سبک آزاد) و در اسپانیا به عنوان مدرنیستا رواج یافت. در واقع سبک «آرت نوو» جنبه بین‌المللی یافت و تعداد زیادی از هنرمندان را دربرگرفت. البته ریشه شکل‌گیری این سبک در انگلستان بود. جایی که جنبش «هنر و صنایع دستی» سنت احیاء هنرهای کاربردی را در واکنش به ماشینی شدن تولید و مصنوعات و احیای ارزش‌های از دست رفته «قرن وسطی» ترویج می‌داد.

این سبک در آغاز جنبه تزئینی داشت و ویژگی عمده آن، کاربرد خطوط سینوسی و پراکنج نامتقارن به تقلید از نقوش پریپچ و تاب گیاهی و پیچ‌کوار بود. در واقع در این سبک هنری هیچ زاویه و خط صافی وجود ندارد و همه خطوط منحنی هستند. در بیان

< ادامه از صفحه ۴

فساد دولت محلی بوده است که منجر به هدایت درصد قابل توجهی از سرمایه‌های اقتصادی به جیب مقامات دولتی می‌شد. در همین راستا، پژوهشگرانی نظیر گلریک (۲۰۰۸) در مطالعات خود معتقدند مشکل‌تر از حساب کردن هزینه‌های ملی زیرساز ساختن سد، محاسبه و جبران هزینه‌های غیررایج مربوط به شکست اجتماعی (بحران‌های اجتماعی) و فساد سیاسی این پروژه‌هاست. با وجود تمام این شواهد و تجارب آبا زمان آن نرسیده تا آغازی بر پایان سیطره بی‌چون و چرای الگوهای مدیریتی سخت منابع آبی اعلام کنیم و هم‌سو با جهان، با نکوهش و البته عبرت گرفتن از افراط صورت گرفته در گذشته، گذار به مدیریت نرم منابع آب را در تمام کشور، خصوصاً در استان بحرانی خوزستان، را تسهیل نماییم؟! شاید فردا دیر باشد.

و مسیرهای ارتباطی، مشکلات تامین منابع آب، مشکلات بهداشتی و آلودگی ماهی‌ها اشاره کرد. محور مهم دیگری از اثرات مخرب پروژه‌های مدیریتی سخت منابع آبی افزایش فقر و تهدید امنیت غذایی است. همان‌طور که کمیسیون جهانی سدها (۲۰۰۰)، لی و همکاران (۲۰۰۱) و هگالوند (۲۰۰۶) بیان کردند، مسأله عمده و نگرانی بزرگی که وجود دارد این است که مردم جابه‌جا شده به واسطه ساخت پروژه‌ها با ریسک‌های بلندمدتی مواجه هستند که به فقیرتر کردن و همچنین تهدید کردن آن‌ها به بی‌زمینی، عدم امنیت غذایی، بی‌شغلی، فرسایش و حاشیه‌سازی اجتماعی می‌انجامد. علاوه بر موارد فوق براساس تحقیقات هگالوند (۲۰۰۶) و چائو (۲۰۰۱) یک عامل اساسی که منشأ بسیاری از چالش‌ها و مشکلات مردم جابه‌جا شده سد تری جورج بوده،

مشخص شد که عموماً پروژه‌های سدسازی با مقاومت و نارضایتی مردم محلی و ضرر دیدن آن‌ها همراه بوده و موجب فقیرتر شدن آن‌ها نیز در دراز مدت شده است. بخش دیگری از پژوهش‌ها نظیر تحقیق مک کلی (۱۹۹۶) نشان‌دهنده آن است که مهم‌ترین اثر اجتماعی منفی پروژه‌های مدیریت سخت منابع آبی، تغییر مکان یا تغییر محل اقامت (کوچ) اجباری یا داوطلبانه مردم است و مطالعه هوانگ و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد مهاجرت اجباری به طور آشکاری با تشدید افسردگی ارتباط دارد. هم‌چنین آگوییر (۲۰۰۵) در بررسی خود در سد چیکسوی، به این نتیجه رسید که ساخت این سد خطرات متنوع و زیادی را برای جوامع تحت تأثیر خود ایجاد کرده است که از جمله این خطرات می‌توان به اختلاف بین مردم متأثر از سد، از بین رفتن خانه‌ها و زمین، جابجایی، تخریب راه‌ها



منابع آب استان باید سریعاً به رانت گسترده و حضور مافیای قدرتمند در اجرای طرح‌های مهندسی آب که موجب گردید تا علاوه بر افراط در ارائه و اجرای این طرح‌ها، در بسیاری موارد ملاحظات و مطالعات محیط‌زیستی یا به کلی صورت نگیرند، یا نتایج آن‌ها مدنظر قرار نگیرند و یا با اعمال فشار در گزارش نتایج مطالعات پایه محیط‌زیستی سخت‌گیری و دقت نظر لازم صورت نگیرد، خاتمه داد. بدیهی است در حال حاضر تعداد و ظرفیت سدها و طرح‌های انتقال آب احداث شده بر رودخانه‌های استان بسیار فراتر از ظرفیت و توان اکوسیستم این منطقه بوده و سبب آسیب جدی به مردم محلی و بروز تضاد منافع گسترده میان گروداران آب و آسیب جدی به اکوسیستم طبیعی استان خصوصاً تالاب‌ها شده است. هم‌چنین تغییرات فراوان در رژیم هیدرولوژیکی منطقه سبب شده تا با قطع دسترسی کشاورزان به عمده منابع آب سطحی، برداشت آب‌های زیرزمینی تشدید شود و سطح آب سفره‌های زیرزمینی به طرز محسوسی افت پیدا کند.

**آغاز یک پایان؛ نگاهی به پژوهش‌ها و تجارت جهانی**  
در تکمیل بحث فوق باید گفت روش‌های اجرایی برآمده از نظریه مدیریت سخت منابع آبی نظیر سدسازی از زمان‌های قدیم بدون دستیابی به اطلاعات جامع و کامل هیدرولوژیکی، هیدرولیکی، هیدرومکانیکی، اکولوژیکی و از همه مهم‌تر در حلاء رویکرد سیستمی به کار گرفته شده‌اند و اثرات منفی فراوانی بر اجتماعات انسانی و محیط‌زیست گذاشته‌اند که مدارک لازم جهت تردید در کارآمدی و اثربخشی این روش‌ها را فراهم ساخته‌اند. در ادامه با نگاهی به پژوهش‌ها و تجارت جهانی، بخشی از این آثار سوء را دقیق‌تر مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد. به عنوان مثال براساس پژوهش بوهلن و یلویس (۲۰۰۸) که اثرات اقتصادی سدهای ایجاد شده بر روی پنبوستوک در مابین ایالات متحده آمریکا را با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی مورد مطالعه قرار دادند، نتایج نشان داد که بعد از احداث سد، گرانی و افزایش قیمت خانه‌ها رخ داده است. در پژوهش‌های دیگری از تاهامیسی و همکاران (۱۹۹۷) و یان و همکاران (۲۰۰۵)



سنوات رفاهی دانشجویان ۲ نیمسال افزایش یافت

رییس صندوق رفاه دانشجویان گفت: براساس مصوبه روز گذشته هیأت امنای صندوق رفاه دانشجویان، ۲ نیمسال به سنوات رفاهی دانشجویان در همه مقاطع تحصیلی افزوده شد و از ۹ نیمسال به ۱۱ نیمسال افزایش یافت.

ناصرمطیعی با اشاره به مصوبات جلسه هیأت امنای صندوق رفاه دانشجویان، اظهارداشت: دراین جلسه ۲ نیمسال به سنوات مجاز رفاهی دانشجویان در همه مقاطع تحصیلی افزوده شد. در گذشته سنوات رفاهی دانشجویان مقطع کارشناسی ۹ نیمسال بود که به این ترتیب به ۱۱ نیمسال افزایش یافت.

مشاور وزیر علوم تاکید کرد: این مصوبه به دلیل شرایط کرونایی و دانشجویانی است که به هر دلیل خود یا خانواده های آنها درگیر شرایط ناشی از کرونا شده اند و امکان طولانی تر شدن تحصیل شان وجود داشت.



واکسیناسیون دانشجویان؛ اولویت‌ها و وعده‌هایی که محقق نشد



فرناز مهدی‌زاده

کارشناسی علوم آزمایشگاهی ۹۷

واکسن «برکت» هنوز مورد تایید سازمان جهانی بهداشت قرار نگرفته است و گزارشی از مراحل آزمایش‌های بالینی آن منتشر نشده. در هفته‌های گذشته از آغاز مصرف عمومی این واکسن، تنها پیش‌مقاله آزمایش حیوانی آن منتشر شده است.

مینو محرز، عضو کمیته علمی ستاد مقابله با کرونا، که مدیریت پروژه ساخت واکسن برکت را برعهده دارد، بارها از بی‌خطر بودن این واکسن و ایمنی‌زایی آن سخن گفته است. وی، پیش‌تر گفته بود که واکسن «اسپوتنیک»، به دلیل نداشتن مجوز از سازمان جهانی بهداشت مورد قبول او نیست.

در میان مسئولان نیز نگرانی‌هایی درباره صدور عجلانه مجوز مصرف این واکسن ابراز شده است. فرید نجفی، معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، در نامه‌ای به سعید نمکی، درباره صدور زود هنگام مجوز اضطراری تزریق واکسن‌های ایرانی کرونا هشدار داد. او خواستار آن شده بود که نتایج فاز ۲ آزمایش بالینی این واکسن «به صورت کامل و با روش استاندارد» گزارش و توسط «یک کمیته علمی منتخب و مستقل» مرور و تایید شود.

واکسن های ایرانی شامل ؛ واکسن ایران «برکت»؛ واکسن «پاستو کووک» تولید مشترک ایران و کوبا؛ واکسن «اسپوتنیک ایرانی» تولید ایران و روسیه، واکسن «کوپارس» و واکسن «فخرآواک» هستند. البته شاید بهتر بود تمرکزمان را برای تولید یک واکسن می‌گذاشتیم تا چندین واکسن که هیچ‌کدام تأییدیه سازمان بهداشت جهانی را ندارند.

رئیس مرکز تحقیقات و بیوسنسشناسی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با تاکید بر این که برای آغاز واکسیناسیون گسترده با واکسن‌های ایرانی مجوز سازمان غذا و دارو کفایت می‌کند، گفته بود: حتی در صورت داشتن مجوز مصرف اضطراری از سازمان جهانی بهداشت، باز هم کشورها برای تزریق واکسن براساس قوانین خودشان تصمیم می‌گیرند. (در حالی که به نظر منطقی نمی‌رسد خودمان واکسن را تولید کنیم و خودمان هم تاییدیه آن را صادر کنیم).

بعد از مدت‌ها انتظار، اول بهمن ماه بود که سعید نمکی وزیر بهداشت زمان آغاز واکسیناسیون در کشور را اعلام کرد و گفت: امیدوارم قبل از ۲۲ بهمن و طبق مصوبه اولویت‌بندی شده، واکسیناسیون را در گروه‌ها شروع کنیم. اما تا زمانی که مطمئن‌ترین و بی‌خطرترین واکسن را نتوانیم به کشور وارد کنیم، این کار را انجام نمی‌دهیم. این واکسیناسیون با واکسن روسی و با تزریق روزانه به ۱۰۰۰ نفر آغاز شد و طبقه کادر درمان به ویژه پرسنل ICU در اولویت آن بودند و تزریق به کادر درمان شهرهای مختلف به تدریج انجام شد.

در حالی که وزیر بهداشت ایران وعده داده بود که از روز شنبه، ۱۹ تیرماه واکسیناسیون عمومی با تزریق روزانه ۴۰۰ هزار دوز شروع می‌شود، در سخنان رئیس جمهور ایران و سخنگوی ستاد کرونا هیچ اشاره‌ای به شروع واکسیناسیون عمومی نشد.

سعید نمکی در سخنرانی خود در تبریز گفته بود: «از فردا با تزریق روزانه ۴۰۰ هزار دوز واکسن با قدرت تمام واکسیناسیون کرونا شروع می‌شود». با این حال حسن روحانی، رئیس جمهور سابق ایران که ریاست ستاد ملی مقابله با کرونا را نیز برعهده داشت، در سخنرانی خود از «آمدگی» برای تزریق روزانه ۵۰۰ هزار دوز واکسن خبر داده ولی اشاره‌ای به میزان واکسیناسیون روزانه نکرد. روحانی با اشاره به شیوع گونه دلتا ویروس کرونا در ایران گفت که شرایط نسبت به هفته‌های گذشته «نامناسب‌تر» است و تلاش‌های برای «محبوس ماندن» ویروس در استان‌های جنوبی و شرقی ایران موفق نبوده و این ویروس وارد عمق کشور شده است. او همچنین با اشاره به برنامه‌ریزی برای تولید واکسن داخلی، گفت: «فکر می‌کردیم دو ماه زودتر به نقطه امروز برسیم که البته با فاصله

نمکی یادآور شد: با چینی‌ها مذاکره و اعلام کردیم که حاضریم قرارداد خرید ۲۰ میلیون دوز واکسن را ببندیم که آن‌ها گفتند دو میلیون دوز ما هم قبول کردیم، اما قبل از عید ۲۰۰ هزار دوز به کشور وارد شد و ۴۰۰ هزار دوز هم امروز و فردا حمل می‌شود و به کشور می‌رسد. با هندی‌ها از چند میلیون دوز به دو میلیون دوز و بعد به ۵۰۰ هزار دوز رسیدیم که پول ۵۰۰ هزار دوز واکسن

علوم، درباره واکسیناسیون دانشجویان اظهار کرد: در راستای مصوبات جلسات این وزارتخانه با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، کارگروهی برای واکسیناسیون دانشگاهیان تشکیل شد و طبق قول وزارت بهداشت، استادان و کارکنان دانشگاه‌ها به دلیل این که تعداد آن‌ها نسبت به دانشجویان کم‌تر است از مردادماه واکسن دریافت می‌کنند.



وی درباره واکسیناسیون دانشجویان تحصیلات تکمیلی افزود: برای اولویت‌بندی واکسیناسیون دانشجویان، یک کارگروه در معاونت آموزشی وزارت علوم تشکیل شد و این موضوع با نظر دانشگاه‌ها در حال بررسی است. با اولویت‌بندی دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری، واکسیناسیون آن‌ها از شهریورماه آغاز می‌شود.

معاون آموزشی وزیر علوم خاطرنشان کرد: این کارگروه مشخص می‌کند چه دانشجویانی در تحصیلات تکمیلی اول مهرماه برای حضور در دانشگاه واکسینه شوند. در این زمینه اولویت با دانشجویان دکتری و بعد از آن‌ها دانشجویان کارشناسی ارشد است.

خاکي صديق اظهار کرد: به طور طبیعی دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد که ورودی‌های سال تحصیلی ۹۸ به قبل هستند باید در اولویت واکسیناسیون باشند؛ امیدواریم با برنامه‌ریزی وزارت بهداشت، این اقدام هر چه زودتر عملیاتی شود.

در مجموع به نظر بهتر بود سرمایه کشور و وقت و انرژی مسئولین مربوطه بر روی ساخت یک واکسن کارآمد و دارای تاییدیه سازمان بهداشت جهانی متمرکز می‌شد تا هفت واکسن از انستیتوهای مختلف. گمان می‌کنم اگر تمام محققین و انستیتوها دست به دست هم می‌دادند و باهم یک واکسن مشترک تولید می‌کردند نتیجه بهتری حاصل می‌شد.

و شاید اگر مسئولین به جای بیان وعده‌های غیرواقعی، روی واکسیناسیون هرچه سریع‌تر مردم تمرکز می‌کردند، از منظر تعداد افراد واکسینه شده در کشور نسبت به باقی کشورها عقب نمی‌ماندیم و کشور اول از منظر تعداد کشته‌های کرونایی در خاورمیانه و رتبه سیزدهم از منظر تعداد کشته‌شدگان را در جهان را نداشتیم.

نکته دیگری که حائز اهمیت است این است که کاش برای همان عده قلیلی که موفق به دریافت واکسن شدند، برنامه مدون و مشخصی ایجاد می‌شد تا در این وضعیت بحرانی صف‌های طویل برای دریافت واکسن ایجاد نشود. چرا که همین صف‌های طولانی محیطی مناسب برای شیوع پیش‌تر بیماری است. با این حال و با توصیف شرایط پیش آمده بهتر است در این ایام با دقت هرچه تمام‌تر به رعایت پروتکل‌های بهداشتی بپردازیم و از عمیق‌تر شدن فاجعه بکاهیم.

را گرفتند و ۱۲۵ هزار دوز را حمل کردند و ۳۷۵ هزار دوز واکسن نیز در سردخانه گمرک بود که قرار بود به ایران حمل شود، اما داستان هند نامه نوشت که هیچ واکسنی از هند نباید به هیچ‌جای دنیا ارسال شود. به گزارش ایمن‌دا، در حال حاضر واکسن تزریقی در کشور واکسن اسپوتنیک روسی و سینوفارم چینی است و مقرر شده است به زودی با تولید انبوه واکسن داخلی واکسیناسیون کرونا در کشور به تعداد مطلوبی برسد.

براساس اخبار مختلف حوزه سلامت و علم و اظهارات دانشمندان، ایمنی نسبی و نه مطلق، نسبت به کووید ۱۹، زمانی در یک جامعه محقق می‌شود که دست کم ۷۰ درصد جمعیت واکسینه شده باشند. این در حالی است که براساس همین توصیه‌ها، با توجه به ناشناخته بودن ابعاد ویروس این بیماری، تنها با تکیه بر واکسیناسیون نمی‌توان از سایر اقدامات ایمنی‌زا چون زدن ماسک، رعایت فاصله، ضدعفونی کردن اماکن و ... تا اطلاع ثانوی دست کم به صورت حداقلی، دست برداشت. چون حتی اگر کل دانشجویان، استادان و مستخدمین دانشگاه‌ها را واکسینه کنیم، در حالی که هنوز کل جمعیت، تا مرز ایمنی نسبی واکسینه نشده (احتمالی که اصلاً دور از ذهن نیست) باز هم دانشجویان در همین جامعه غریب‌ان، زندگی و رفت و آمد می‌کنند و امکان ابتلای مجدد آن‌ها یا ناقل بودن‌شان وجود خواهد داشت.

به گزارش تجارت‌نیوز، علی خاکي‌صديق، معاون وزیر

رسیدیم. مسئولین در ماه‌های گذشته وعده‌های مختلفی درباره تولید واکسن داخلی کرونا داده‌اند و مجوز مصرف اضطراری دو واکسن پاستور و برکت نیز صادر شده است ولی هیچ‌کدام از این واکسن‌ها به تولید انبوه نرسیده‌اند و ابهاماتی درباره روند تولید آن‌ها وجود دارد.

بحران واکسن در ایران و عدم مدیریت صحیح سبب شده است که برخی از شهروندان اقدام به مسافرت به ارمنستان برای دریافت واکسن رایگان کنند.

خبرگزاری مهر نیز در گزارشی با اشاره به اینکه «ظرفیت مراکز واکسیناسیون در کشور بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار دوز است»، نوشته است که ادعای وزیر بهداشت با واقعیت هم‌خوان نیست.

سندرم بهره‌برداری

۱۸ اردیبهشت اسسال، رئیس جمهوری بنابر گزارش‌های ارائه شده، اعلام کرد واکسن کوو پاستور از اواخر اردیبهشت در دسترس قرار دارد و واکسن برکت نیز در خرداد ماه آماده بهره‌برداری خواهد بود. اگر آماده بهره‌برداری بودن را دریافت مجوز مصرف بدانیم، باید گفت مجوز اضطراری مصرف واکسن کوو ایران برکت، ۲۴ خرداد ۱۴۰۰ صادر شد. واکسن کوو پاستور با همان پاستو کوک هم با اندکی تأخیر مجوز گرفت و دکتر جهان‌پور، سخنگوی سازمان غذا و دارو، در ۸ تیر ماه صدور این مجوز را اعلام کرد.

واکسیناسیون ۱۳ میلیون پرخیز

۲۶ اردیبهشت ماه، که ۳ ماه از آغاز واکسیناسیون گذشته بود، وزیر بهداشت ابراز امیدواری کرد گروه هدف اول را که افراد بالای ۶۰ سال و بیماران خاص و صعب‌العلاج و عامل اصلی بستری و مرگ و میر هستند تا اواخر خرداد و اوایل تیر واکسینه می‌کنیم. او تعداد این افراد را ۱۳ تا ۱۴ میلیون نفر برآورد کرد. حالا آن‌طور که ۱۸ تیر ماه وزارت بهداشت اعلام کرده، در ۱۸ تیر، ۶۰۶ میلیون هموطن واکسن دریافت کرده‌اند و واکسیناسیون افراد بالای ۶۵ سال در حال انجام است.

به گفته جمشید انصاری، رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور، سهمی که از کووآکس گرفتیم چیزی حدود ۲۱ میلیون، قراردادهای اسپوتنیک وی روسیه ۶۰ میلیون و چین بیش از ۱۰ میلیون دوز بوده و دوزهایی نیز از قبل تحویل گرفته شده است.

روایت نمکی از بدقولی خارجی‌ها

سعید نمکی در دیدار رییس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) در ستاد وزارت بهداشت در ۲۴ فروردین گفته بود: علی‌رغم همه فشارهایی که بود توانستیم پیش‌فست و باقی‌مانده آن را منتقل کنیم و قرار بود که قبل از عید، حداقل به ما سه میلیون و ۲۰۰ هزار دوز واکسن از طریق کوواکس بدهند. علی‌رغم همه پیگیری‌ها، محموله اول ما را از سه میلیون و ۲۰۰ هزار دوز به یک میلیون و ۸۰۰ هزار و بعد به یک میلیون و ۲۰۰ هزار دوز، رسید و متأسفانه این روند طول کشید تا این که بعد از عید، توانستیم ۷۰۰ هزار دوز واکسن از کوواکس تحویل بگیریم.





<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<b>حامد مهران</b>
<div>دکتری زبان و ادبیات فارسی ۹۴</div>	

حامد مهران در یک برنامهٔ تلویزیونی

استفاده از ظرفیت‌های گوناگون اساطیر، از دیرباز مورد توجه هنرمندان، شاعران و نویسندگان کشورمان بوده، به گونه‌ای که بخشی گسترده از آثار ادبی ما با اسطوره درآمیخته است. اینان هریک با توجه به اندیشه‌ها و دغدغه‌های خاص خود، از قابلیت‌های اسطوره‌ها یاری گرفته‌اند؛ فردوسی در «شاهنامه» برای پاسداری از زبان فارسی و هویت ملی، سهروردی در «عقل سرخ» و «آواز پر جبرئیل» برای بیان اندیشه‌های فلسفی و کلامی، عطار در «منطق‌الطیر» برای بیان اندیشه‌های عرفانی‌اش و غیره. این روند، در سده‌های اخیر و قرن جاری نیز ادامه داشته است. روشنفکران عصر مشروطه، پس از آنکه از اوضاع سیاسی و اجتماعی مملکت سرخورده شدند، بازگشت به شکوه ایران باستان را آرمان خود قرار دادند و بارها با استفاده از اساطیر ایران باستان در آثارشان این آرزوی خود را آشکار کردند؛ تا جایی که به ایجاد قالبهای جدید در ادبیات انجامید و به عقیدهٔ برخی، «پیدایش رمان ایرانی، محصول معنوی تفکرات مشروطه‌خواهانه است» (میرعبادینی، ۱۳۸۷:۲۱).

اما این روند، هم‌زمان با ورود رمان به ایران و آغاز قرن بیستم که آن را «عصر مدرنیته» می‌نامند، تحولاتی یافت. «رمان همراه یک مجموعه عناصر برگرفته از فرهنگ غرب در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم وارد ایران شد و این درست دوره‌ای است که در آن، ایران دچار تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بسیار عمیق بود. یکی از دلایل عمدهٔ

### «مصائب آشپزی برای دیکتاتورها»؛ زیستن در نظام دیکتاتوری چگونه است؟

مهدی تدینی، سودابه قیصری و زینب کاظم‌خواه به صورت مجازی برگزارشد.

نشست هفتگی شهرکتاب به نقد و بررسی کتاب «مصائب آشپزی برای دیکتاتورها» اختصاص داشت که با حضور منصور ضابطیان،

زینب کاظم‌خواه، مترجم کتاب، در این نشست گفت: رفتار خوب دیکتاتورها با آشپزهای خود با رفتار آن‌ها با مردمان‌شان در تناقض بوده است. مثلاً در عراق، صدام حسین کردها را قتل عام کرد و همه از پسران او، عُدّی و قُصّی، می‌ترسیدند که مرتکب جنایات زیادی شدند. اما گویا با آشپزش رفتار خیلی خوبی داشته است. در این کتاب وجهی بسیار شخصی‌تر و پشت‌پرده‌ای دور از دسترس از این دیکتاتورها را می‌بینیم که شاید خیلی از مورخان به آن دسترسی نداشتند. در نتیجه روایت آشپزها خیلی جذاب است.

## دگرذیسی اسطوره در رمان فارسی

۱. بازروایی اسطوره‌ای مشخص (روایت عینی اسطوره).
۲. از راه تداعی معانی به صورت تشبیه، استعاره یا تلمیح (اشاره به اسطوره).
۳. با تلفیق یا تغییرساختار اسطوره‌ها (دگرذیسی اسطوره).

با نگاهی به سیر رمان‌نویسی در ایران، می‌توان از نویسندگان متعددی نام برد که روایات اسطوره‌ای را در آثارشان به کار برده‌اند. از جمله صادق هدایت در **بوف کور**، هوشنگ گلشیری در **آینه‌های دردار**، بهرام صادقی در **ملکوت**، تقی مدرسی در **ریکلیا و تنهایی او**، عباس معروفی در **سمفونی مردگان**، جعفر مدرس‌صادقی در **گاوخونی** و **بیژن و منیژه**، جواد مجابی در **مومیایی** و **اسفندیار غایب**، سیمین دانشور در **سووشون**، هرمز شهزادی در **شب هول**، شهرنوش پارسی‌پور در **طوبی و معنای شب** و **بزرگ‌بانوی روح من**، منیرو روانی‌پور در **اهل غرق**، گلی ترقی در **درخت گلابی**، رضا قاسمی در **چاه بابل**، فریبا وفی در **گرگ‌ها**، ابوتراب خسروی در **رود راوی** و **اسفار کاتبان**، محمد محمدعلی در **رقصهٔ تهمینه و مشی و مشیانه و آدم و حوا**، و **جمشید و جمک**، رضا براهنی در **رازهای سرزمین من**، اسماعیل فصیح در **درد سیاوش**، عدنان غریفی در **مسلول در اسکله**، محمود کیانوش در **مرد گرفتار**، مصطفی رحیمی در **قصه‌های آن دنیا**، احسان طبری در **خدایان از بند رسته** و عطالله مهاجرانی در **سهراب‌کشان** از اسطوره‌ها بهره گرفته اند.

نویسندگان ایرانی، به غیر از رمان، در داستان کوتاه نیز از این گونهٔ ادبی بهره برده‌اند. هدف از کاربرد اسطوره در رمان‌های فارسی، موضوع قابل توجه دیگری است. مسائلی مانند «تلاش برای بازیابی هویت و بازشناسی

عنایت به رمان در آن دورهٔ خاص، این است که حیطة نوشتن و ادبیات نیز مانند سایر حیطه‌های فرهنگی در ایران، خود دچار شک و بحران بود؛ یعنی دیگر نوشتن به زبان گذشته و در قالب انواع قبلی قصه‌نویسی امکان‌پذیر نبود» (جهانگلو، ۱۳۸۷:۲۱).

با وجود این، راه‌های عرضهٔ اسطوره در داستان متنوّع است. بعضی با استفاده از شیوهٔ روایت و داستان‌سرایی، و عده‌ای با به کارگیری زبان کهن و واژه‌های منسوخ شده، به داستان حسّ حماسی می‌بخشند. گروهی، فقط اسامی اسطوره‌ای را به کار می‌گیرند و با استفاده از نام پهلوانان و سرزمین‌های اساطیری، تلاش می‌کنند رنگ و بویی اسطوره‌ای به داستان بدهند. بعضی هم، متن داستان را از نظر شکل و ساختار، شبیه اسطوره می‌نویسند و بعضی، فقط بخشی از اسطوره را به عنوان خمیرمایه به کار می‌گیرند. گروهی از نویسندگان هم به چنان مرزی از ابداع می‌رسند که زبان نماد و تمثیل اسطوره را با شیوهٔ مدرن داستان‌نویسی تلفیق می‌کنند و به آفرینش مجدّد اسطوره‌ها دست می‌زنند. در این میان، گروهی نیز فقط به معنا و مضمون اسطوره نظر دارند و بعضی هم از ویژگی‌های شخصیت اسطوره‌ای، برای شخصیت‌پردازی استفاده می‌کنند. با وجود راه‌های گوناگون که هر داستان‌نویسی با توجه به انگیزه‌های درونی و فرهنگی خود، یکی از آن‌ها را برمی‌گزیند، به نظر می‌آید چگونگی بیان اسطوره و نحوهٔ پیوند آن با داستان است که به برجسته شدن اثر می‌انجامد. در رمان‌های معاصر فارسی، اسطوره‌ها به شیوه‌های گوناگونی به کار می‌روند که می‌توان سه شکل را برای آن در نظر گرفت:

### غادهٔ‌السمان؛ نویسنده مدرن عرب در میان دوات



**زهرا یزدان نژاد**

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادبیات تطبیقی

امروزه که دسترسی به همهٔ امور آسان شده و با فشردن دکمه‌ای یا لمس گوشه‌ای از یک صفحهٔ هوشمند می‌توان به دنیایی از علم و دانایی و فرهنگ و اطلاعات و اخبار و حتی داستان و شعر و ادبیات وارد شد بی‌گمان با چهره‌های زیادی آشنا خواهیم شد که راهنمایان خوبی برای سفر دل‌پذیر ما به جهان تازه کشف شده است. یکی از این گوشه‌های تفرج، دنیای داستان‌های عربی معاصر است. دنیایی که به رغم همهٔ گشت‌وگذارهای

ما هنوز بکرباقی مانده است.

دلایل بسیاری برای ناآشنا بودن و خوگر نشدن با این وادی وجود دارد: تکیه بر منابع داستانی، دنیای ترجمهٔ رمان‌های مشهور جهانی، تعصب‌های ناه‌جای ملی، عدم استقبال از ادبیات سایر ملل، گمان بروجود نداشتن ادبیات فاخر در زبان عربی، نبود ترجمه‌های درست و شناسانده شده به مخاطب، ناکافی بودن اطلاعات برای شناسایی چهره‌های مشهور جهان ادبیات معاصر عربی و… از جملهٔ این موارد هستند.

در این میان چیزی که ضرورت این آشنایی را اثبات می‌کند غنای فرهنگی و به‌روز بودن ادبیات داستان در زبان عربی امروز است. تسلط همه جانبهٔ ادیبان عربی بر شعر و داستان‌گویی

مولفه‌ای است که فراموش شده و شاید مخاطب امروزی این سخن گوته را از یاد برده است که می‌گوید: خداوند عرب‌ها را به چهار نعمت از بقیه جداگردانده و یکی از آن‌ها شعر است که انسان را به وجد می‌آورد و عنایت ویژهٔ خداوند به عرب است. شعر و صورت امروزی‌تر آن داستان‌های معاصر عربی، به واسطهٔ شکوفایی و رشدی که از سال‌های قبل تا امروز همواره در جهت مضاعف بوده، در آثار معاصر عربی جایگاهی بالا دارد. پس از داستان‌ها و رمان‌های فارسی اگر هنوز هم عطش غرق شدن در دنیای خیال و واقعیت داستان‌ها و هزار شخصیت شدن در واژه واژه صفحات کتاب را داشتید سری به دنیای داستان امروز عربی بزنید. آن‌جا که نویسنده‌ها،

<sup>[1]</sup> غاده‌السمان یکی از برجسته‌ترین نویسندگان زن عرب معاصر است

## بیستون نشانهٔ وجود فرهاد نیست



**الناز نوری**

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی ۹۷

منظومهٔ **خسرو و شیرین** ناخودآگاه «فرهاد» را به یاد ما می‌آورد، شخصیتی که چنان در دل‌ها و اذهان مردم جاگرفته است که نام خود را تا عنوان منظومه کشانده است. شیرین و خسرو علاوه بر این که شخصیت‌هایی داستانی هستند نودهای تاریخی هم دارند هر چند گاه به نسبت ویژگی‌های داستان سرایی ، داستان تطابق کامل با تاریخ برقرار نمی‌کند و این شخصیت‌ها با اصل تاریخی تفاوت پیدا کرده‌اند اما به هر حال می‌توانیم رد آن‌ها را در تاریخ بیابیم، اما آیا فرهاد هم شخصیتی تاریخی دارد و می‌توانیم کوهکن عاشقی مثل او را در جهان غیر داستانی و واقعی بی‌زیریم؟ ابتدا بهتر است بررسی کوتاهی از آثاری به جز اثر نظامی داشته باشیم. داستان خسرو و شیرین در شاهنامهٔ فردوسی(متفاوت با روایت نظامی) آمده است و در آن نامی از فرهاد برده نشده است. هم‌چنین در **غُرر اخبار ملوک‌الفرس** از فرهاد خبری نیست. **مجلل‌التواریخ** هم فرهاد را سپهبد معرفی می‌کند و ضمن وصف شیرین می نویسد:«فرهادِ اسپهبد، او (شیرین) را عاشق بوده است». پس فرهاد در این اثر سپهبد است نه حجار. در این بین، **تاریخ بلعمی** از فرهاد کوهکن در طی ذکر شیرین یاد می‌کند ولی توصیف او مبنی بر واقعیتی تاریخی نیست.

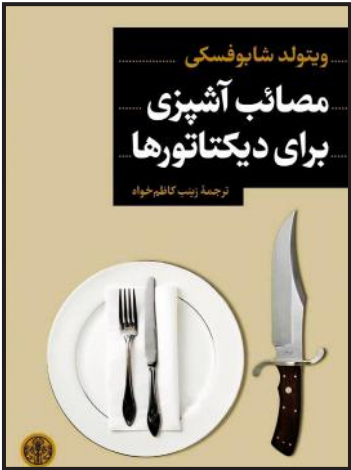
می توان گفت فرهاد عاشق و حجار معروف، در فرهنگ عامه و به صورت تخیلی حضور داشته است و آن‌قدر سینه به سینه گردیده تا به «روایت برد» رسیده و سپس نظامی از این روایت استفاده کرده است. نظامی خود در منظومه‌اش می‌گوید که این ماجرا را از کهن‌سالان شنیده و به نظم در آورده است.

بیاضش در گزارش نیست معروف که در بردع سوادش بود موقوف

ز تاریخ کهن‌سالان آن بوم مرا این گنج‌نامه گشت معلوم

با اینکه فرهاد در آثار مذکور نفوذ چندانی ندارد ولی در ترانه‌های محلی و قصه‌های مردم، به ویژه قصه‌های کردی و کرمانشاهی، نام او ضمن روایات مختلف از سرگذشتش آمده است. این فرهاد کوهکن و خیالی آن‌قدر میان مردم واقعی شده است که برخی حتی خود را از نسل او می‌شمارند.

اما چرا و چگونه فرهاد وارد این روایت شده است؟ ذبیح‌الله صفا، فرهاد را از شاهان اشکانی می‌داند که در روایات حماسی راه یافته است. یکی از این روایات حماسی، شاهنامه است که در آن همان‌طور که گفته



دوهفته‌نامهٔ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی / سال هفتم / شمارهٔ هفتاد و نه / نیمهٔ اول مرداد ۱۴۰۰

## دگرذیسی اسطوره در رمان فارسی

آرمان‌ها و افکار ملی و انتقال آن برای نسل جدید، پناه بردن به گذشتهٔ اسطوره‌ای برای رهایی از ناکامی‌های ملی(حرکت نوستالژیک)، تنوع‌طلبی و پرورش مهارت» (بزرگ‌بیگدلی و دیگران، ۱۶:۱۳۸۸) از عوامل مهمی است که نویسندگان ایرانی را به استفاده از اسطوره‌های ملی و دینی برانگیخته است.

در این راه، نویسندگان خلاقى که پی برده‌اند «هدف اسطورهٔ مدرن، ارائهٔ جواب‌های از پیش تعیین شده نیست؛ بلکه ایجاد زمینه‌ای برای تعمق و تأمل پیرامون سؤال‌ها و جست‌وجوی جواب‌های ممکن است» (کهنموتی‌پور؛ رهبر، ۱۳۸۶:۶۷)، صرفاً به اشاره به اسطوره‌ها و بازروایی آن‌ها بسنده نکرده‌اند، بلکه از اسطوره برای ایجاد و خلق مضامین جدید بهره گرفته‌اند که به تطور و دگرذیسی اسطوره‌ها انجامیده است.

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰



منابع:

ریاحی، لیلی.(۱۳۵۸).قهرمانان خسرو و شیرین. تهران:نشر امیرکبیر.

ابوالقاسمی، سیده مریم؛ آرزومند لیالک، مصطفی(۱۳۹۵). «بررسی شخصیت فرهاد از واقعیت تا افسانه». در مجلهٔ تاریخ ادبیات. شماره۶/۳۶.

طالبی، معصومه.(۱۳۹۸).«خسرو و شیرین» در مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

<sup>[1]</sup> غاده‌السمان یکی از برجسته‌ترین نویسندگان زن عرب معاصر است

<sup>[2]</sup> غاده‌السمان یکی از برجسته‌ترین نویسندگان زن عرب معاصر است



WHO SAYS DELTA VARIANT WARNING TO WORLD, ACTION NEEDED TO TOTALLY SUPPRESS COVID19

The Delta variant of Covid-19 is a warning to the world to suppress the virus quickly before it mutates again into something even worse, the WHO said.

The highly transmissible variant, first detected in India, has now surfaced in 132 countries and territories, the World Health Organization said.

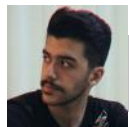
“Delta is a warning: it’s a warning that the virus is evolving but it is also a call to action that we need to move now before more dangerous variants emerge,” the WHO’s emergencies director Michael Ryan told a press conference.

AFP



THE VOID

EPISODE 6



Shahriar Ahmadi

English literature, BA student, '98

The leather of the seat, becomes more rotten by the time. The smoke of Jacques’ cigarette in front of the car was going right into my eyes and was simultaneously obscuring my mind. Two days had passed since the previous murder. Same area. Weird! It has never been so confusing before! I got off and went towards the church. The smell of rain filled the air, but the closer I got, the more the smell of blood prevailed.

I stood by the door. I did not know whether I wanted to go inside or not. My feet were nailed to the ground. I had no choice. I had to go inside and so I did. I opened the door. Everything was red. The main spotlight was on a naked man sitting in the middle of the church on the floor.

The skin of his back was cut and fastened to the altar posts with a hook, like the wings of an angel. A rope attached to the pile of the church held his hands above his head. Apparently, the killer had to extract a confession instead of the priest. It was like a show. A puppet show. A show whose puppeteer controls everything in the shadows and mocks the simplicity of his spectators.

Detective Nielsen was silent, watching as officers turned the scene up and down. Suddenly, one of them shouted:

- I found something in his hands!

Detective Nielsen went to the officer and the body beside him. He looked inside the corpse’s hands. He was stunned. He was faced with a reality he did not want to believe. Now Stockholm officially has a serial killer. He took the origami from the hands of the corpse. An insect made of paper. Like the one on Betty’s chest. But Betty’s cicada was carrying a message. I told the detective to open it. Detective unfolded the paper. Then he read:

“A fish that left the group behind  
And fell into the trap of mind  
Unties the bond and must be held  
Accountable to all the kind”

...  
A few hours passed and the detective ordered us to collect everything. As we walked out of the door, a familiar face came to me from afar. It was Kilian. He probably wanted to ask me about the

case. He came to me with a smile and extended his hand halfway through. As he arrived, he shook my hands firmly:

- Hello Egon! Happy to see you. I thought I was late.

+ Hello Kilian! Quite the contrary! You arrived on time. We were just heading back to the station. Detective Nielsen seemed confused.

- Detective! Meet Mr. Killian Vandenberg. Freelance journalist.

The detective angrily locked his eyes on me and said:

“You do not need to introduce him to me, ginger head! This leech sticks his nose everywhere. Everybody at the station knows it now!”

Then, he straightened the collar of his coat and walked away with heavy steps.

- Sorry about that.

+ No need to apologize. I understand. Well, by the way, you may have guessed why I’m here.

- You may ask anything about the case. I will help as much as I can.

He reached into his pocket and pulled out his notebook.

+ So what can you tell me about the victim?

- We still do not know his identity, but he’s a middle-aged man...

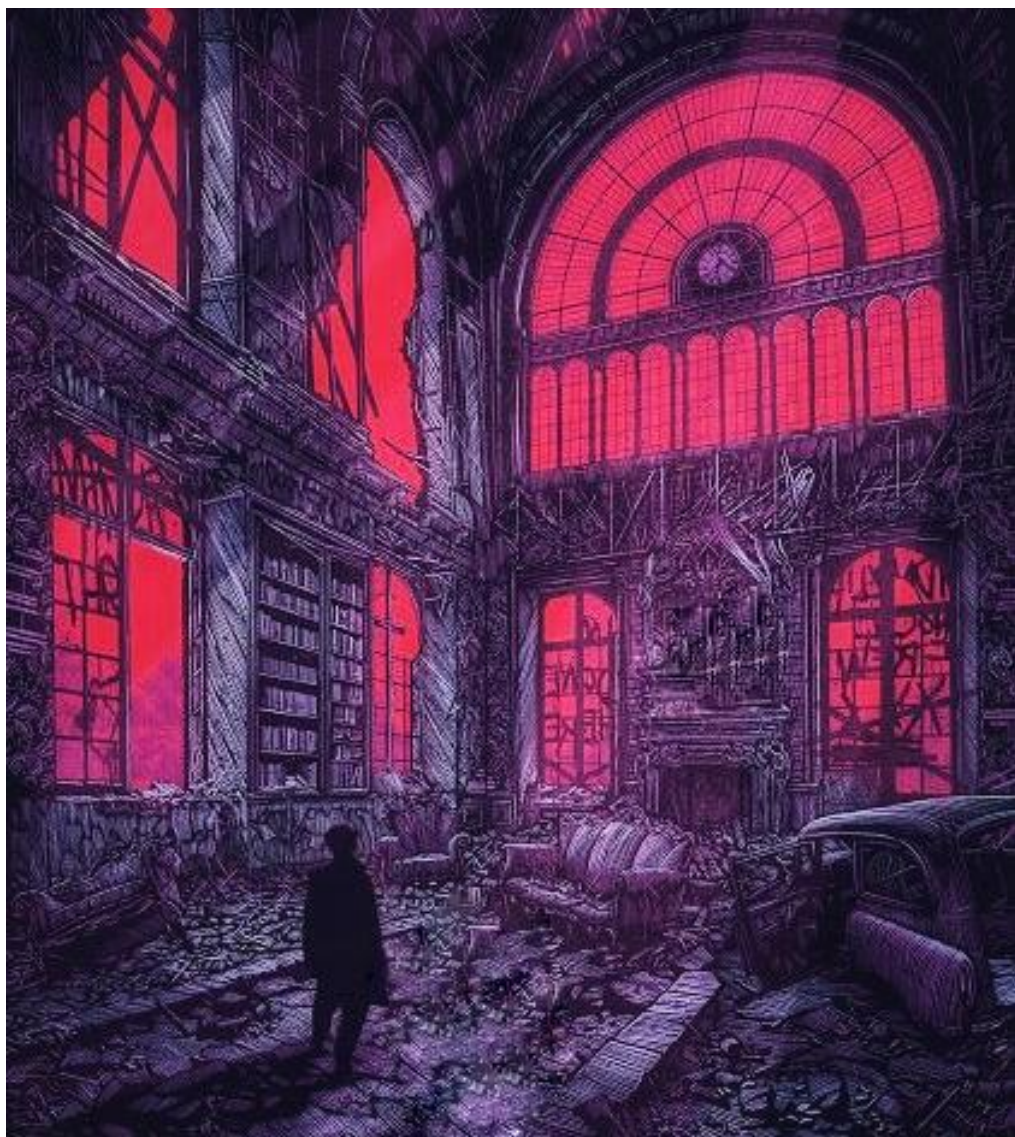
The verbal exchange between us took 4 hours.

+ Well, thank you, Egon. Just one more thing I have to ask you. You said the killer had left messages through origami. What are they about?

I was a little hesitant. The existence of the letter was not confidential, but its content was indeed. But this one was really confusing to me. I had to get clues from wherever I could. So I told him and asked him to keep it between us and off the record.

- So what do you think about them?

“Honestly, nothing comes to my mind right now, but a connection can be felt between both letters and the corpses. You said Betty’s hair was wet and this letter was about a fish and also you said that Betty was not a good mother. Thus I think the corpse probably has a direct connection with his cicada and indirect links with previous ones. The only guess I can make right now is that it has something to do with fish. I think you should start in the fishermen’s bay, maybe you’ll find something there,” Kilian said.



MAN OF SIMPLE, YET PROFOUND WORDS



Shadi As'adi

English literature, BA student, '97

As getting closer to the last days of a relentless hot July, reminding of the oppressive heat of The Old Man & The Sea, we valued the birth of Ernest Hemingway, and to this end, we decided to have a reflection on his literary works with Dr. Ali Salami, Writer, Critic, Literary Translator, and Professor of English Literature and Translation Studies at University of Tehran.

**1. As the preliminary question, what characteristics of Hemingway and his writing style do you think made him one of the greatest writers in the history of American literature?**  
His unique style comes from the simplicity of his language while at the same time he incorporates profound ideas in his works. His style is as minimalistic as possible and he delineates a perfect narrative technique hitherto unknown to others.

**2. I suppose the majority of well-known authors have been mostly interested in some particular topics and subsequently shaped their stories and fiction based on those concerns. For instance, John Steinbeck had a deep empathy for the working class and this is evident in much of his acclaimed fiction. So what concerns do you think Hemingway had been dealing with, which are visibly embedded in his works?**

To Hemingway Man was the riddle. As you know at an early age he used to drive an ambulance for two months and it was then when he fathomed the futility of war. Later on as he worked as a war correspondent, he witnessed many wars and wrote about them. So gradually, war and the havoc it could wreak on people preoccupied his mind; at times, he heard words such as honor, defense, bravery and so on and so forth but in the course of what he witnessed in the wars as an observer and reporter, he came to realize the true meanings of these words and how they were manipulated by politicians to justify their fiendish goals and beguile the young lost generation into a path of no return. So I believe that his war experiences gave shape to his deep understanding of human nature and challenges Man is face with especially in the face of death and violence.

**3. Concerning the fact that in Hemingway’s era there were several wars including World War I raging on, how his traumatic war experiences reflect in his literary works?**

War is one of the major themes of Hemingway’s works. He looks at war from a humanistic and social point of view. War is caused by the powers-that-be but fought by the downtrodden people who are actually victimized in the process. Even when Hemingway was working as a war correspondent, he did not just report on war but he also touched upon the repercussions of war on people’s lives and the toll it exacted on their spirits. On war, Hemingway says, “Abstract words such as glory, honor, courage, or allow were obscure beside the concrete names of villages, the numbers of roads, the names of rivers, the numbers of regiments and the dates.”

**4. What social commentary does Hemingway make on the society of his time and how did he insert his social views in his writing?**

Hemingway was a devout Christian who evinced his religiosity in most of his works. In other words, most of his stories contain some considerable degree of morality and religiosity although they may not be directly felt by the passive readers. On the other hand, as a devoted Christian he was not indifferent to his society and what happened around him. I am not prone to relegate him to a moralist or a social reformer but these were the ideas which lingered at the back of his and while writing. Let’s not forget that he was supportive of Fidel Castro and his cause. So it can be explained how and to what extent he could be critical of the American soci-

ety and government. For instance, in Green Hills of Africa (1935), he manifestly berates America when he writes, “It had been a good country and we had made a bloody mess of it . . . . Let the others come to America who did not know that they had come too late” (285). Another point which strikes me as interesting and noteworthy is that his characters come from different nationalities, races and social strata.

**5. Your personal opinion on Hemingway and his literature.**

I believe that Hemingway uses a very simple style to explain sophisticated and philosophical ideas. And that is a difficult goal to achieve for a writer. But he has managed to do it perfectly well. I remember the first time I started reading one of his novels, I initially developed the feeling that I was reading a simplified version of the story and I returned to the book to the bookstore and asked for an original version but they said it was the original. Another factor which is discernible in his works is way he uses his unique point of view. I believe he is an undisputed master in using different points of view so effectively. A brilliant example of this nature can be seen in his fantastic short story titled “Hills Like White Elephants”.

**6. Do you believe that Hemingway’s works are still relevant in our time? Why?**

The quality of universality in literature is an important factor which we witness in Hemingway’s works. That’s why he is still talked about and taught at different universities in the world. Let me make an analogy here. The question why Iranian literature still remains unknown in the world is due to their lack of universality. Of course the classic works are exceptions. Take Rumi for instance who is so popular in the world. Although he belongs to an utterly different period, he still appeals not only to the Iranian but also to the international readers. The reason is simply the universality in his poetry. This universality is mostly absent in modern Persian fiction, a fact which explains why modern Persian fiction is not known in the world. As for Hemingway, he is appreciated by modern readers because they can easily connect. When he talks about war, he doesn’t limit himself to the American community. What I am trying to drive home is that he seems to be speaking for the entire human race; in other words he is involved in mankind and the human challenges. So his works are definitely relevant today.

**7. Your favorite literary work written by Hemingway. Tell us what is so unique about it?**

It’s kind of hard to say. But I personally believe that Hemingway attains his perfect narrative technique in The Old man and The Sea in which depicts the herculean efforts of Santiago, an aging fisherman who knows no remission to his determination. It’s an uplifting story especially in contemporary era when young people easily give up hope in the face of difficulties.

**8. As the you remember final question, can call one of his orable quotations?**

There is nothing noble in being superior to your fellow man; true nobility is being superior to your former self.

